

# انعکاس مسایل اجتماعی در آثار نثری سیمین دانشور

پایان نامه برای دریافت پیش دکترای زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه جواهر لعل نهرو

نگارش

محمد جاوید اختر

به راهنمایی

دکتر اختر مهدی

معاون راهنما

پروفسور محمود عالم



مرکز زبان و ادبیات فارسی و مطالعات آسیای مرکزی

دانشکده مطالعات زبان و ادب و فرهنگ

دانشگاه جواهر لعل نهرو

دهلی نو ۱۱۰۰۶۷

۲۰۰۳

**"SOCIAL CONCERNS AS DEPICTED IN THE PROSE  
WRITINGS OF SIMIN DANISHVAR"**

Dissertation submitted to the Jawaharlal Nehru University in partial  
fulfilment of the requirements for the award of the degree of

**MASTER OF PHILOSOPHY**

*by*

**MD. JAWAID AKHTAR**

*supervisor*

**Dr. AKHTAR MAHDI**

*Co supervisor*

**Prof. MAHMOOD ALAM**



CENTRE OF PERSIAN AND CENTRAL ASIAN STUDIES  
SCHOOL OF LANGUAGE, LITERATURE & CULTURE STUDIES  
JAWAHARLAL NEHRU UNIVERSITY

NEW DELHI, 110067

**2003**



जवाहरलाल नेहरू विश्वविद्यालय  
JAWAHARLAL NEHRU UNIVERSITY  
NEW DELHI-110067

Centre for Persian and Central Asian Studies

Date: 31 July '03

Declaration

I declare that the material in this dissertation entitled "*SOCIAL CONCERNS AS DEPICTED IN THE PROSE WRITINGS OF SIMIN DANISHVAR*" submitted by me is original research work and has not been previously submitted for any other degree of this or any other university/institution.

MD. JAWAID AKHTAR

Research Scholar

Prof. MAHMOOD ALAM

Chairperson

CP&CAS/SLL&CS.

  
31.7.03  
Dr. AKHTAR MAHDI

Supervisor

CP&CAS/SLL&CS

تقدیم

بہ

مادر و پدرم

با

محبت بی پایان

# فهرست مطالب

- ۷-۱ پیشگفتار
- ۳۴-۸ فصل اول  
سیمین دانشور بعنوان نویسنده زن ممتاز ایران
- ۶۵-۳۵ فصل دوم  
شرح کوتاهی در بارهٔ رمان نویسی و نگارش داستان کوتاه در فارسی  
و سهم سیمین دانشور در این زمینه
- ۸۳-۶۶ فصل سوم  
سو و شون بعنوان ستون برجسته ای رمان نویسی امروزی در ایران
- ۱۰۵-۸۴ فصل چهارم  
انعکاس مسایل اجتماعی در آثار نثری سیمین دانشور
- ۱۰۹-۱۰۶ نتیجه گیری
- ۱۱۲-۱۱۰ فهرست منابع و مأخذ

پیشگفتار

فرهنگ و تاریخ ایران مثل بسیاری از ملل دیگر جهان، هر  
روی هم سیمای مردانه دارد و زن در آن به تعبیر امروزی آن 'جنس'  
معرفی شده است. شاید همین سبب بوده است که سهم زن در  
ادبیات فارسی خیلی کم بوده است و نامهای نویسنده و شاعر زن  
انگشت شمار هستند. ولی صیقلیت نباید اینطور گفته شود که ادبیات  
فارسی خالی از خدمات زن بوده است. با وجودیکه تعداد سهم دهندگان زن  
در طول تاریخ ادبیات کم بوده است کسانی که میان زن دست به سخنوری  
یا به نویسندگی انداخته اند مقبولیت بسیاری گرفته اند. نامهایی مانند  
رایحه، فروغ، بیروین اعتقایی در این مورد مثال جاویدانه هستند. آنهایی  
بوده اند که نه فقط خدمات مهمی انجام داد بلکه همعصران مرد خودشان را  
غیر به عقب گذاشته اند.

نکاتی به نامهای سهم دهندگان زن و بر آثارشان نشان میدهد که  
تقریباً تمام آنها سخنوران بوده اند ولی همین جا است که یک نامم مورد  
انتباه میباشد و این نام 'سیمین دانشور' است که شیوه نویسندگی را

برای خود انتخاب کرده خود را میان معروفترین نویسندگان آثار نثری  
صف آور میکنند. نه فقط این بلکه بعد از انتشار رمان بعنوان 'سروشون'  
وی بدون تردید خود را بطور بهترین رمان نویس ایران امروزی دایر گردیده است  
سیمین دانشور در سال ۱۳۰۰ در شیراز به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۱  
در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دکترا گرفت و یک  
سال بعد با جلال آل احمد از دواج کرد. مدتی در مدرسه عالی موسیقی تهران  
موسیقی درس داد بیشتر از بیست سال در دانشکده تهران به تدریس  
ادبیات تاریخ هنر پرداخت. اینروزها نیز مصروف در کار نویسندگی است  
و رمان تازه از وی بعنوان جلد دوم جزیره سرگردانی منتظر چاپ است.  
دوره سیمین بیان پر آشوب ترین دوره های تاریخ ایران بشمار می رود  
تولدش همزمان بود با کودتای رضا خان، در جوانی خودش وی جنگ جهانی دوم  
و دخالت کشورهای خارجی در ایران دیده بود و بعداً انقلاب اسلامی را  
نیز از قریب دیدار کرد. در این دوران وی مسایل مربوط به مردم عامه و  
اوضاع سیاسی، اجتماعی و معاشی ایران را بخوبی درک کرد و همین موضوعاتی را  
در آثارش بیان نمود. شاید همین علت بود که آثار سیمین هر خوانندگان



زوداثر بودند که باعث مقبولیت وی شد.

نخستین مجموعه داستانش "آتش خاموش" نام دارد که در سال ۱۳۲۷  
منتشر شده و جزو کارهای خام و ابتدایی وی به شمار میرود. در سال ۱۳۴۰  
مجموعه داستان "شهری چون بهشت" را منتشر کرد که در آن جهان و مسایل  
زنان ایرانی انعکاس یافته است. اوج کار خانم دانشور را باید رمان  
شیرین و پرخواننده "سو و شون" دانست؛ داستانی که زندگی اجتماعی مردم  
فارس در خلال جنگ جهانی دوم و تسلط انگلیسیان بر نواحی جنوب تصویر  
می کند. در این کتاب چهره همپایه زن دغدغه های عاطفی یک همسر وفادار  
برای جلوگیری از رختن مسایل سیاسی به درون خانه یا مهارت و دقت  
توصیف شده است. علاوه ازین مجموعه داستاها نهایه کمی سلام کنیم؛ و  
رمان "جزیره سرگردانی" در دو جلد نیز که از قلم وی آمده است بیان کننده  
اندیشه های وی بجانب مسایل اجتماعی را که داشت نشان می دهند.  
سپس دانشور که شاهد یکی از پر آشوب ترین دوره های تاریخ ایران  
بوده است و اوضاع اجتماعی این کشور در این دوران رتلهای مختلف در خود داشته  
بوده است وی چگونه این رتلهای اوضاع اجتماعی را درک کرده است؟

مسائل اجتماعی خصوصاً مسایل مربوط به وضع زنان دیدگاه یک نویسنده زن چه بوده اند؟ چگونه رمانها و داستانهای سیمین اینقدر مقبول بوده اند که همعصران و دیگر نویسندگان به عقب گذاشته است؟ و وی مسایل سیاسی و دیگر مسایل را چگونه مشاهده کرده است و آنها را چگونه در آثار خود منعکس کرده است و مانند اینها پرسشهای گوناگون وجودی دارند که باعث توجه محققان گرفت و همین ویژگیهای طرز نویسنده سیمین دانشور است که تشویق برای این پژوهش فراهم آورد و این کار تحقیق مشتمل بر چهار فصل است.

فصل اول مربوط به "سیمین دانشور بعنوان نویسنده زن ممتاز ایران" است که در این فصل سهم زنان در ادبیات فارسی را مورد بحث نموده شرح کوتاهی درباره احوال و آثار چند تن از زنان معروف ایران داده شده است و سعی میباشد که سیمین دانشور را بحیثیت یک زن ممتاز پیش کرده میشود.

فصل دوم اختصاص به "شرح کوتاهی درباره رمان نوبی و نگارش <sup>و سهم سیمین در این زمینه</sup> داستان کوتاه در فارسی" است. این نگرشی کوتاهی درباره آغاز و پیشرفت داستان نوبی و رمان نوبی میباشد که در آن با اختصار احوال و آثار

چند تن از معروف نویسندگان این شیوه را نیز با اختصار بیان کرده شده است  
چند از معروفترین رمانها و داستانهای کوتاه نیز در این فصل مورد قرار  
گرفته اند. در آخر این فصل این امر نیز روشن کرده شده است که سیمین اولین زنی  
بود که دست به رمان نویسی نهاده بود.

فصل سوم بعنوان "سودشون بعنوان ستون برجسته ای رمان نویسی امروزی  
در ایران" است. در این فصل رمان پیراثر و پیرخواننده سیمین دانشور  
را بررسی قرار داده شده است اینرا بحث سنگ میل در راه رمان نویسی  
پیش کرده شده است. این فصل دارای آرایه های روزنامه های معروف  
مانند روزنامه "تائس" از لندن و "واشنگتن پوست" از آمریکا و  
کتابخانه های هیلمندی نسبت به این رمان داده شده است تا استیاز  
این رمان و سیمین دانشور واضح میشود.

و فصل چهارم اختصاص به "انعکاس مسایل اجتماعی در آثار نثری  
سیمین دانشور" است که دارای بررسی آثار دیگر سیمین دانشور است و  
سعی میباشد که در آن سروکارهای سیمین از مسایل اجتماعی را آنگهی گرفته شود.  
این فصل اندیشه و افکارهای سیمین نیز آشکار میکند و او را بطور یک مفکر و

نویسنده حقیقت پسند پیش کرده شده است. و در آخر این مقاله نتیجه گیری و مأخذ و منابع نیز داده شده است.

رساله تحقیقی اینجانب مدیون باری و همکاری بسیاری از اسنادان و دوستان و نیک اندیشان بوده است سپاسگذاری آنان و طیفه لازم خود می دانم. نخستین از دکتر اختر مهدی صهبانه سپاسگذارم که ایشان از ابتدا تا تکمیل این رساله شامل حال اینجانب بوده اند و بدون راهنمایی بی دریغ و شفقت آمیز ایشان مشکل بود که به پایان رسانم. در حقیقت اینجانب کلمه ای در مخی پایم از عهده حق شناسی ایشان برآیم. سپس از پرفسور محمود عالم از صمیم قلب تشکر می کنم که ایشان مشورت ذیقیمت و راهنمایی شایسته در تهیه این رساله تفویض نمودند. از الحاج پرفسور عیدالودود و اظہر دهلوی استاد ممتاز باز نشسته دانه نگاه ما سپاسگذارم که دوران اقامت من در این شهر همه وقت به کمک من آماده بوده اند و در تکمیل این رساله تشویق دادند. از آقای دکتر غلام نبی احمد سپاسگذارم که ایشان چند از فضلای اینجانب با دقت نظری تصحیح نمودند. از دوستان ارشد القادری، صغیر احمد، عیدالجلیل، اظہار شرف و آفتاب احمد را سپاسگذارم که در تهیه این مقاله تحقیقی باری و همکاری کردند.

پس از آن از هر نزد خانواده خودم را همیانه سپاسگذارم که هرگونه کمک و  
تشویق و پشتیبانی برای کسب علوم نمودند .  
بمنبیه و کرم

محمد جاوید اختر

## فصل اول

سینین دانشور بعنوان نویسنده زن ممتاز ایران

اگر تاریخ ادبیات ایران از دیدگاه سهم‌های زنان مورد تجزیه و تحلیل قرار داده می‌شود این آشکار می‌شود که سهم زنان نسبت به مردان خیلی کم بوده است و اسم شاعران و نویسندگان زن انگشت شمار هستند. با وجود این نمی‌توان سهم زنان را در زمینه ادبیات فارسی صرف نظر کرد. بعضی از شاعران و نویسندگان زنان به سبب افکار و اندیشه‌های شان درش بدوش شاعران مرد بنظری آیند. به گونه مثال رابعه قزدرای بلخی، پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد و غیره ناهای هستند که از لحاظ استعداد و مهارت در زمینه شعر و سخن با مرد عقب‌تر نبودند. علاوه بر این عده‌ای از دیگر شاعران و نویسندگان زنان نیز در ادبیات فارسی سهمی داشته‌اند. از تجزیه و تحلیل آثار شان اینطور برمی‌آید که زیادی از آنها متمایل به شعر بودند و افکار و احساسات خودشان را بوسیله شعر ابراز می‌نمودند. اما سیمین دانشور نامی است برای ابراز احساسات و عواطف خود نثر را انتخاب نمود و نه فقط در این زمینه موفقیت بدست آورد بلکه عده‌ای از شاعران و نویسندگان مرد را نیز عقب گذاشت. در تاریخ ادبیات معاصر ایران

اسم سیمین دانشور بعنوان بهترین نویسنده داستان کوتاه و رمان محسوب می شود. و قبلاً شاکاروی بعنوان رمان 'سورثون' بوجود آمد شهرتی بسیار بدست آورد زیرا که از لحاظ موضوع و محتوی و روند و زبان و سبک و شیوه نظیری نداشت. تا جائیکه در زبان فارسی زمانها نوشته شده مقام و مرتبه 'سورثون' حاضر بالا این اثر جاودانه برای نویسندگان زن جوان و نسل های آینده مشعل می باشد.

در این فصل بررسی کوتاهی راجع به سهم و نقش زنان در ادبیات فارسی مورد قرار می نمایم که در تمام طول تاریخ ایران یعنی از آغاز تا امروز در ادوار مختلف فعالیت های شایان ادبی و خدمات گرانقدر علمی انجام نموده اند که برخی از آنها در ردیف اول زبان و ادبیات فارسی مقام و مرتبه دارند. و نیز سعی می شود که بین آنها سیمین دانشور را بعنوان زن ممتاز و متمایز به عهده برساند زیرا که علاوه بر این نام زن در زمینه سخنوری استعداد و صلاحیت خودشان را بکار برده شهرتی بدامان خود کسب نمودند



اما همین دانشور به خلاف ایشان، تنها زن می باشد که بتوسط  
نثر نوپسی به زبان و ادبیات فارسی به اوج رسیده است و بر  
تمام شاعران زن چه کلاسیکی چه معاصر بر خوردار شده است.

همین علل و عوامل و دلایل پس از بررسی و مقایسه با زنان  
معروف و مشهور <sup>دیگران</sup> مورد شائسته و سزاوار قرار می گیرد و اهمیت و  
ارزشی متعین می شود. در همین مورد بررسی احوال و آثار زنان نامور  
ایران و فارسی زبان در زیر داده می شود.

اولین کسی که میان زنان در رشته ادبیات فارسی سهم بزرگی  
داشت و تا هنوز یاد کرده میشود رابعه بلخی است. رابعه بنت کعب قزوی  
بلخی نخستین شاعر زن بشمار می رود. او بحیث یک شاعر صوفی منش  
شناخته می شود و گفته می شود که افکار صوفیانه را در شعر همان خانم  
بنا نهاد. خانواده اش نسبت به افغانستان کنونی پیوندی داشت  
فعالیت های ادبی وی در آن زمان شکفته می شد و قتی که خانواده سلطانی  
رو به زوال میرفت و خانواده غزنوی جای آن را میگرفت. <sup>۱</sup>

رابعه از بچگی عادات و الهوار شریفانه داشت. علاوه بر این وی در زیبایی هم بینظیر بود. به همین جهت فامیل وی میدانست که یکروز همین بچه به خانواده شان شهرت بزرگی خواهد آورد.

شهرت فوق العاده وی حسودان وی نیز پیدا کرد که میان آن برادرش حارث هم بود. زندگانی رابعه صندبه‌های کوتالونی داشت. مثلاً پرورش وی از راعنه، مهارتش در نشانه اندازی، شکار و شناوری و غیره تفاهیل جالب دارند و آنرا نتوان اینجا گنجاند. این امر جالب قابل توجه است که برای جشن نمودن تغییر وی از دختر به زن پدرش بگری او و راعنه ساختمانهای مخصوصی تأسیس کرد. در همانجا رابعه یک قسمت از اوقات خود را هر روز برای نوشتن اشعار عاشقانه صرف مینمود. مخاطب وی در تمام این شعر خدا است. رابعه از بچگی خود متعایل به دین و مذهب خود بود و این امر موجب شد که برای ابراز نمودن احساسات خود نسبت به خدا شعر را وسیله خود ساخت. عشق وی با بکتاش که غلام حارث بود نیز در تذکره حادرج شده است. این هم گفته میشود که وی چند اشعار خود را به بکتاش

نیز منسوب کرد و این امر علاقه اش را به شعر نشان میدهد -  
 این امر نیز جالب توجه است که رودکی که پدر شعر خوانده میشود  
 نیز از بهارت رابعه حرف می زده است - محمد ح رازی در مقاله خود  
 در این باره چنین می نویسد -

" To the north of Balkh lay the kingdom of  
 Bokhara (Now in Russia) Haris received an  
 invitation to attend a great festival in this  
 city where all the finest artistes, writers,  
 musicians and athlete would gather to compete.  
 Among those present was the greatest writers  
 of the time, Rudaki. Rudaki had challenged  
 Rabiiah in poetic debate and admired her  
 talent and wisdom. He mentioned her name  
 at the public festival bemoaning the fact that  
 despite her poetic talent, gentle ways and

fine upbringing, her heart belonged to Baktash  
 one of Haris' slaves." <sup>له</sup>

از مندرجات بالا هویدا است که رابعه مهارت فوق العاده‌ای داشت  
 زیرا که یک نفر مثل رودکی از استعداد شکوفای وی سخن می‌گوید،  
 پس در استعداد وی جای هیچ شک نیست - سخن‌های رودکی  
 نسبت به رابعه استعداد شاعرانه اش را تایید می‌کند -  
 علامه شبلی نعمانی نیز در باره رابعه اینطور می‌نماید:  
 "و این یکی از اختصامات عصر سامانی بوده که ذوق شعر و  
 شاعری در زنان هم رواج داشت است، از جمله رابعه قزدری  
 بلخی که معاصر یا رودکی است دارای طبع سرشار بوده است." <sup>له</sup>  
 در آخر بیت از رابعه در زیر داده میشود که علامه شبلی نعمانی از مجمع الفصحاء گرفته در  
 کتابش مندرج کرده است

دعوت من بر تو آن شد کاینروت عاشق کناد بر یکی سنگین دلی تا بهرمان خویش  
 تا بدانی درد عشق و دایم هم و غم کسی چون به هجر اندر به پیچی پس بدانی قدر من

پس از رایج تا دیر هیچکس از شاعران زن بی‌رافق ادبیات نمودار نشد که سهمهای قابل ملاحظه‌ای نشان دهد. میان سالهای چهارمین قرن شمسی تا دوازدهمین قرن شمسی از هیچ شاعرانی یا نویسنده‌ی زن اطلاعاتی بدست نیست ولی از یازدهمین قرن شمسی زنان نیز زبان و ادبیات فارسی را با سهمهای نشان غنی‌تر می‌سازند. در بیان این سهم‌کنندگان اسم پروین اعتصامی نخست به ذهن می‌آید. پروین یکی از بزرگترین شاعران ایران بشمار میرود.

پروین روز ۲۵ اسفند سال ۱۲۸۵ ش. در تبریز چشم به جهان گشود. وی قسمت بزرگی از زندگانی کوچک خود را در تهران گذراند. پدرش یوسف خان آستینانی معروف به اعتصام‌الملک دانشمند معروف زنان خود بود. اعتصام‌الملک از بچگی پروین را خود پرورش کرد. وی نیز با مجله «بهار» پیوندی داشت و از زبانهای فرانسه و عربی و ترجمه‌های بسیاری کرد. از این لحاظ پروین از اوایل عمر خود در یک ماحول سازنده زندگی میکرد که آنجا میلان طبیعتش شگفته شد. وی زبان عربی و فارسی را نزد پدرش فراگرفت و نیزودی بکار شعر و شاعری برداشت.

گفته میشود که از بچگی وی متمایل به مطالعات علوم گوناگون بود و  
 عمری که در آن زمان بچها اوقات خود را در بازی و سیر و تفریح صرف  
 میکنند هر دوین بیشتر اوقات خود را در کتابخانه میگذرانند. در سن  
 یازده سالگی وی آشنایی از فردوسی، نظامی، مولوی، ناعمر خسرو  
 و متوجهی و غیره بدست آورده بود. و راجع به آثارشان بحث و  
 مباحث نیز میکرد. آقای حسن علی محمدی نویسنده کتاب 'از بهارنا  
 شهریار' در باره وی چنین میگوید.

"گفته اند روزی که به زندگی چشم گشود یک شبم ده صد ساله  
 را پیمود و در دوران کودکی کمتر دیده میشود است که به بازی  
 و تفریح پردازد و همیشه اوقات فراغت خود را بیشتر  
 به مطالعه میگذرانند. در یازده سالگی فردوسی، نظامی، مولانا  
 جلال الدین رومی، ناعمر خسرو، متوجهی، انوری را می شناخت  
 و درباره آنها اظهار عقیده میکرد." <sup>۱</sup>

هر دوین اعتقادی تحصیلات متوسطه اش را در یک دبیرستان زنان

فرآفت و برزبانهای فارسی و انگلیسی مهارت بدست آورد. او نیز در همان دبیرستان برای دو سال درس و تدریس هم داد.

وی بسال ۱۳۱۳ هجری از برادر محو زاده خودش ازدواج کرد ولی این ازدواج موفق نشد و با شوهرش جدا شد و زندگی ادبی خود را آغاز کرد. دیوان پروین که دارای پنج هزار اشعار میباشد در سال ۱۳۱۴ هجری منتشر یافت. وی در تمام اصناف سخن مثلاً قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و مسقط و غیره دست زده است و اشعار وی نیز در مجله چهار چاپ شده است.

خصایص عمده ای پروین اکتفا می اینجا ذکر نموده میشود تا استعداد وی

روشن شود.

زمانیکه موضوعهای عشق و عاشقی میان شاعران فارسی رواج داشت و هیچکس نمی خواست از حیطه آن فدی فراتر نهد در آن زمان نیز پروین سابل های کوتاگون را بوسیده اشعار خود روشن می ساخت و مردمان کشور خود را برای گداشتن زندگانی شریفانه راعناب بگرد. وی حامی زبردست بهتر بودن اوضاع زنان بود و میگویند که مقام زن

در اجتماع بالا بیرون. و قتیکه رقشاه با یک قانون حجاب را ممنوع ساخت  
 بیرون از نصیبات رضاشاه استقبال کرد و در ضمن آن یک قصیده  
 'زن در ایران' هم ساخت و در آن اوضاع زنان را آشکار کرد. سه  
 زن در ایران پیش ازین کوی که ایرانی بود پیشه اش جز تیره روزی و پیریشانی نبود  
 زندگی و مرگش اندک عجزت میگذشت زن چه بود آن روزها اگر آنکه زندانی بود  
 کسی چون از سیاهی فریاد منزل نکرد کسی چون در عهد سالوس قربانی بود  
 بیرون در سبک ناهم خسر و قصاید زیبا هم نوشت که در آن سادگی  
 و روانی سعدی نیز دیده میشود. از نثر و در اشعار وی دو تا سبک  
 یعنی سبک خراسانی و سبک عراقی به طوری پیوسته شده اند که یک سبک  
 جداگانه را به ظهوری آورد. سه

در قطعات خود بیرون از سنایی و انوری پیروی کرده است -  
 قطعات بسیاری از وی در شکل مکالمه هستند که در زبان ادبی 'مناظره'  
 دانسته میشوند - این سبک در زمانی قبل از اسلام نیز رواج داشت -  
 درخت آسور یک یکی از منالهای عمده از آن است - بوسیله این قطعات

سه یعنی آرماتور، از نیمانار و روزگار ما، ص ۵۴.

سه محمد جعفر باجفی، چون سبوی نشن، ص ۱۴۲.



چروین احساسات خود را بر مردم ایراز نموده است و نیز به ایشان  
 بند و نصاب داده است که رفتار و کردار خوبی داشته باشند .  
 چروین در زمانی که زندگی میکرد از لحاظ نارنجی خیلی پراشتوب بود .

شاعران و نویسندگان اوتقاع نابسامانیهای اجتماعی را در شعر  
 خودشان آشکاری کردند ولی لطافت روح چروین و مناعت  
 اندیشه وی او را از این کار بازداشت و به سبب تمايلات وی به  
 سوی تصوف کوشید که اخلاقیات مردم را بهتر سازد . چروین سعی کرد  
 که جوانان را باید کرداری خوبی داشته باشند و دلشان صاف و  
 شگفته باشد . چند تا اشعار وی بعنوان مثال در زیر آورده میشود

گویند که عارفان و محتر و علم کهماست      و آن مس که گفتت عمر این کیمیا طلا است  
 وقت گذشته را نتوانی خرید باز      مغز سس خیره ، کلین گهر پاک بدهاست  
 زان راه بازگرد که از ره روان نیست      زان آدی بنرس که باد بو آشناست  
 پس می بینم که چروین اعتقادی در ادبیات و سببی فارسی سهم بزرگی  
 داشته است و با مردم عقب تر نموده است .

نام دیگری که در زبان و ادبیات فارسی سهم‌های بزرگی داشته است (بهان زن) اسم طاهره صفارزاده است. راجع به زندگانی وی اطلاعاتی منقل در دست نیست و نیز تذکره‌ها هم زیاد نیستند که بر احوال زندگانی وی روشنایی بدهد. علاوه بر این اطلاعات پراکنده که در دست هستند معتبر نیستند. وی در سال ۱۹۳۹ م در شهر سیرجان نزد کرمان با بعزمه صنتی گذاشت. پس از تحلیلات مقداتی در دانشگاه پهلوی شیراز ثبت نام کرد و در ادبیات انگلیسی لیسانس تمام کرد. وی نخستین داستان کوتاه‌اش بنام 'پیاموندهای تلخ' را با نخستین مجموعه شعر خود 'رهگذر مهتاب' در سال ۱۹۴۳ م به چاپ رسانید. بعد از آن از شوهر خود خلع کرد و از ایران به دانشگاه Iowa رفت تا در نوشتاری تخیلی آشنایی بدست آورد. در همان دانشگاه مجموعه شعر انگلیسی وی بنام چتر سرخ (Red Umbrella) که دارای حدود پانزده اشعار بود توسط مطبع ماسدوور به چاپ رسید. پس از بازگشت به تهران دیگر مجموعه‌های شعری بناهای 'طنین در دل‌تا'

در سال ۱۹۷۱م و 'سد و بازوان' در سال ۱۹۷۲م به چاپ رسید -  
 طاهره در دانشگاه ملی ایران چندین سال کار درس و تدریس را انجام  
 داد و پس از سکونت شش سال 'سفر پنجم' را چاپ رسانید -  
 در این دوره مضامین مختلف در شعری جایگزین و یک نوع  
 شعر جداگانه به ظهوری آید که گاه مثال آن در بیت با پیداری  
 که در سال ۱۹۸۰ مطبوع یافت دیده میشود -

آثار صفارزاده را به سه بخش تقسیم کرد. بخش اول شامل بر  
 شعر و داستان های کوتاه است که قبل از سفری به آمریکا  
 به ظهور آمد - فرزانه میلانی در این باره اینطور می نویسد

"... Characterized by subjective lyricism, the  
 work of this period is the rebellious cry of  
 a woman who feels limited in both her feel-  
 ings and experience and needs to make sub-  
 stantial changes in her life".

کردارهای زنان را که طاهره در داستان 'پیوندهای تلخ' مجسم نموده است آن با کردار 'رهگذر بهتاب' تفاوت دارد و در میان تفاوت هم دیده میشود. خواهرشات درونی این کردار نیز با عقاید مروج اجتماعی در جنگ بنظری آید.

در آثار نخستین وی یک نوع خلاء مشاهده میشود و به دست دیگر از لحاظ فنی نیز در آن بختگی یافته نمی شود. در تصورات وی زن یکسو گرفتار در چنگال آزادی و سوی دیگر عقاید مروج آن زمان است و خود را از چهار جانب در عقاید و رسوم محصور می بیند. تمام این عوامل او را به دنبال شناخت خود او میکشد. دوران این جستجوی احساس میکند که بهترین راه حل شکستن از طناب خرافات اجتماع است به همین جهت از شوهرش خود خلع کرد و کشور خود را ترک کرده به سوی جستجوی حق سفر کرد.

اگر در آثار آغازین وی احساسات و جذبات در پیرایه خالص اجتماعی ارایه میشد در آثار بعدی وی یک نوع شدت زیادی در احساسات و جذبات وی پدیدار میشود. نه فقط در شکل تکنیکی شعر و مضامین آن

TH-11213



تغییرات ملاحظه میشود بلکه شخصیت شاعر نیز متغییر میشود. شاعر از تجربات و مشاهدات شخصی خود دلیرانه سخن میگوید و هیچ خوف نمیخورد و نیز عوامل فاسد اجتماعی را مورد انتقاد قرار میدهد.

اظهار خشم و بغاوت یکی از عوامل سیاسی شاعران هر دوره بوده است پس شعرا دیده میشوند که از آن خشم و بغاوت شاعران در برابر بیعدالتی و نابسامانیهای اجتماع مشاهده میشود. در این ضمن چنین آثاری نیز یافته می شود که از قهر و بند زمان جلوه رفتن خود را با مظاهر طبیعی جلوه میدهند. در تمام این اشعار و نوشته های بینیم یک دسته اصول و قوانین اخلاقی و روحانی برای خود میسازد. وقتیکه اشعار طاهره صفارزاده مورد بحث و بررسی قرار داده میشوند اینطور برمی آید که وی هرچیز را با زوایای مختلف می بیند. گاهی بیعدالتی و نابسامانی اجتماعی وی را بسوی جستجوی خدا او میکشاند و گاهی از شهوت و تلذذات جسمانی بی باکانه سخن میگوید. وی اسلام را نیز بر معیار تقاضای زنان کنونی می سنجد و می یابد که اهل آن در هر زمان یکسان و مروج بوده است.

شاعری پند که عوامل فسادات جهان را اداره میکنند یعنی هر سو  
 عناصر فاسد ریشه دوانیده اند و شاعر نیز خود را در حصار آن عوامل  
 میبیند و نمی تواند که حصار آن بیرون بیاید. به نظری هر کس در  
 ماده پرست شده است و اظهار تاسفی میکند که چطور یک نفر  
 برای علاقه شخصی خود به هنر رسانند شخص دیگر هیچ دریغ  
 نمی کند. شاعر حس میکند که در اخلاق و کردار مردم پستی بوجود آمده است  
 و در اجتماع یک نوع ابتی و انتشار جا گرفته است. از اندیشیدن  
 اینهمه شاعر رنجیده خاطر میشود و علاج آن تنها در مسایه مذهب  
 می بیند. در نظری عقاید مذهبی سیاسی دل مردم می شود و  
 میتواند قوای دل را شکفته میکند. در نظری تعلیمات اسلام  
 در برانگیختن عقاید مردم و به بالا رساندن اخلاق و کردار مردم  
 خیلی لازم است. پس به همین جهت دیده میشود که در آخرین  
 آثار طاهره صفارزاده اسلام با تمام مظاهر آن در شعری  
 جای خاصی میگیرد و این یکی از ادوار مهم شعر او است.

نظم 'پنجین سفر' مجموعه شعری است که در آن جنبه‌های دینی و  
 سیاسی با هم آمیخته شده اند و این بلاشید از الحاق سیاسی  
 نیز یکی از آثار مهم صفارزاده است. گرچه وی در سایه مذهب  
 پرچم بغاوت را می‌افراشت ولی مضامین عمده اشعار وی میتواند  
 که عمارتی که بنای آن میر دروغ و بی‌عدالتی است باید دیوار آن  
 سگته شود. باید متذکر شد که 'پنجین سفر' و 'بیعت با پیداری'  
 هر از جنبه‌های دینی هستند ولی در بیان این دو آثار تفاوت بزرگی  
 وجود دارد. مثلاً آن مایوسی و شکست خوردگی که در آثار قبلی است  
 در این آثار یافته نمی‌شود و شاعر خود را تنها نمی‌پندد -  
 در آخر چند از اشعار طاهره صفارزاده داده میشود تا از مهارت شعری او  
 آگهی بشود.

قطع‌ای از طنین درد لقا

بوی سوختن

بوی نمود

یوی عود را شنیده بودم

یوی سوختن عود و استخوان را

نه

این خانه چقدر شبیه قلعه است

پلک سوی رودخانه و سه سوی دیوار

در شهر شما عجیب قلعه فراوان است

آجا - " سه

و چند شعر از 'سفر منزم' که نشاندهنده این وصف شاعر است که

وی به دنبال درک و تعبیر نوعی تفکر است که آزادی معنوی انسان را -

دور از هرگونه اسارت مادی و طبیعی - تضمین کند -

شاید به منتهایی از دره برسیم

شاید جلگه ای در پیش داشته باشیم

اختراع قطب نما مراسم تلگرد



از بی اینان برویم که به پایوس امام می روند

افتسار را حکم بگیر ابو طالب

گفتی اسمت ابو طالب است؟

ایا اجر مردی که عصار زنان خاک را در آفتاب می شکافد

از آن کس که روی خاطر برهنه نشسته، بیشتر است

دهنه را حکم بگیر ابو طالب

اینان که پیشاپیش ما می روند به دنبال زمزم هستند

من هم لیوان لیوان پلاسنگی ام را آماده کرده ام

شاید قسمتی داشته باشم -

اینطور می بینیم که طاهره صفارزاده یکی از نامورترین شاعر زن ایران

بود که افکار و احساساتی مخصوص داشت و توسط شعر و افکار خود

در تمام جهان فارسی تام پیدا کرد.

دوران بحث درباره سهم‌های زنان ایران در زمینه ادبیات نثری  
 نامی مهمترین که در ذهن می‌آید نام فروغ فرخزاد است. دوران  
 زندگی کوچکی خودش وی سهم بزرگی در زمینه شعر و ادبیات فارسی  
 انجام داد و خود را بیان معروفترین شاعران اقامت بخشید. همین  
 سبب بوده که مورد توجه پژوهشگران و محققان بوده است و درباره  
 فروغ چیزهای بسیاری در سالهای گذشته نوشته شده است.  
 اینها ذکر کوتاهی درباره احوال آثار فروغ داده میشود تا از سهم  
 این زن نامور ایران آشنایی بشود.

فروغ فرخزاد در پانزدهم دی ماه ۱۳۱۳ در تهران متولد شد.<sup>۱</sup>  
 پدر او یک نظامی بود که با فرزندانش به گونه‌ای خشن رفتاری کرد.  
 فروغ پس از پایان کلاس سوم دبیرستان، به هنرستان یا نوان  
 رفت و خیاطی و نقاشی را فراگرفت. این هنر را بعداً در شعرا و اثر گذاشت  
 نخستین مجموعه شعرا و بنام 'اسیر' در سال ۱۳۲۱ در سالی که  
 هفده سال بیشتر نداشت، از چاپ درآمد و سه سال بعد تجدید چاپ گردید.

<sup>۱</sup> ل. جعفری پاجتی، چون سبوی نشنم، ص ۱۲۹.

دوین مجموعه اش 'دیوار' را در بیست و یک سالگی چاپ کرد و  
 به دلیل پاره ای گناهیها و سنت شکنیها مورد نقد و سرزنش قرار  
 گرفت - بیست و دو سال بیشتر نداشت که به رغم آن ملاقتها  
 سوین مجموعه شعرش 'عیان' از چاپ درآمد - او در این کتاب  
 به راهی بی بازگشت گام نهاده بود -

چهارمین مجموعه شعر فروغ، تولدی دیگر بود که در زمستان ۱۳۴۲  
 به چاپ رسید و بی راستی جهانی دوباره را در مسیر شاعری او  
 نشان می داد - تولدی دیگر هم در زندگی فروغ و هم در ادبیات معاصر  
 ایران نقطه ای روشن بود، که ژرفای شعر و دنیای تفکرات شاعرانه  
 را به گونه ای نوین و بی همانند نشان می داد - پس از چاپ این مجموعه  
 فرزخوار از آثار شعری پیشین خود، اظهار تأسف کرد و اعلام داشت که  
 در آنها بیان کننده ساده ای از جهان بیرون پیش نبوده و در آن زمان  
 هنوز شعری حلول نکرده بود -

رضا براهنی نویسنده 'طلا در مس' در باره 'تولدی دیگر' این

خیالاتی را اظهار نمود

” خانم فروغ فرخزاد در سه کتاب ( اسیر ، دیوار ، عصیان )  
 بیشتر صو سبهای زنانه را به نظم می کشید ولی با 'تولد دیگر'  
 به سوی ایجاد انقواءیر زنانه از زندگی خصوصی و ادقاع محیط خود  
 گرا بئده است و به عنوان شاعر 'با' تولدی دیگر ' متولد می شود - " ه  
 'ايمان بپا وريم به آغاز فصل سرد' آخرين مجموعه فروغ فرخزاد  
 بود كه بعد از مرگش منتشر شد - شعر شروع بويژه در دو مجموعه اخيرش  
 تولدی دیگر و 'ايمان بپا وريم به آغاز فصل سرد' شعر شخصی است  
 با صوبت مخصوص به خود او - فروغ با آنكه از شاعران معاصر یا پیش از  
 خود كمتر اثر پذیرفته ، در مراحل كال به سوی تغزلی پرمایه و شعر شارلذ  
 اندیشه های اجتماعی و فلسفی گرا بئده است - به گونه مثال

زندگی شاید آن لحظه مسدودی است  
 كه نگاه من در نی می چشمان تو خود را ویرانی سازد

و در این حسی است

که من آن را با ادراک ماه و باد در بامت ظلمت خواصیم آمیخت

در اتاقی که به اندازه یک تنهایی است

دل من

که به اندازه یک عشق است

به بهانه های ساده خوشبختی خودی نگرد

بیه زوال زیبای گلها در گلدان

به نهالی که تو در باغچه خانه مان کاشته ای

و به آواز فناریها

که به اندازه یک پنجره می خوانند.

شعر فروغ در هر دو مرحله زندگانش با نوعی تازه همراه بود.

در مجموعه های قبل از "تولد دیگر" شعرش از نظر محتوی که در آن

به بیان صریح احساسات زنانه پرداخته بود و برای بسیاری از مردم آن روز

قابل تحمل نبود. و در مجموعه تولدی دیگر و شعرهایش پس از آن

از نظر شیوه بیان هنری و اسلوب سخن سرایی و تاملات شاعرانه

که تازگی و لطافت خاص دارد همواره مورد توجه خوانندگان قرار گرفته است و او را در اسلوب خاص خودش باید شاعری ممتاز و یگانه به شمار آورد.

فقط سی و دو سال بود که روز دوشنبه ۲۴ بهمن ماه در سال ۱۳۴۵ شم فروع فرخزاد در حادثه یک اتوموبیل جان سپرد.<sup>۱</sup>  
 دکتر عین الحسن، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه ما در باره زندگانی کوتاه فروع و سهم وی در فروغ ادبیات فارسی اینطور می نویسد.

" سی و دو سال برای یک انسان عمر درازی نیست  
 لیکن عمر مصرع شعر او سالها خواهد بود و عمری از برای او  
 نسلهایی که بعد از ما خواهند آمد شاید او را نه تنها بعنوان  
 یک سخنور بلکه چون زنی آزاده و آزاداندیش ستایش  
 خواهند کرد. " - ۲

<sup>۱</sup> محمدجعفر باقی، چون سبوی شکر، ص ۱۳۴

<sup>۲</sup> دکتر عین الحسن، سونهای شعری، ص ۸۷

طوری که در آغاز این فصل ذکر شد زیاد از زنبهای معروف که در زمینه ادبیات فارسی سهم گذاشته اند سخنران بوده اند و میان آنها در باره چند نفر معروف تذکره نیز می شود. ولی یک زن معروف که از این روش انزاف کرده نثر نوپسی را برای خود انتخاب می کند و در تمام جهان نام پیدا کرده است سپین دانشور است. وی توسط شاکارهای خود اینروزها بدون تردید در دنیای ادبیات فارسی بطور معروفترین نویسنده شناخته می شود.

سپین دانشور به سال ۱۳۰۰ خورشیدی، در خانواده ای سرشناس و مرفه از پدری پزشک و مادری نقاش و هنرمند در شیراز به دنیا آمد. دوران ابتدایی و متوسطه را در مدرسه انگلیسی 'مهر آئین' گذراند. در سال ۱۳۲۱ لیسانس گرفت و سپس دوره دکتری خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران با گذراندن پایان نامه خود تحت عنوان "علم الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم هجری" ابتدا به راهنمایی دکتر قاطمه سیاح و پس از درگذشت ایشان با استناد فروزانفر به پایان

رسانید و دوره عالی زیباشناسی را در دانشگاه 'استغزو' کابلنارنیا  
گذرانید. وی سالها در دانشگاه تهران زیباشناسی تدریس کرد تا بازنشسته  
شد. مدتی هم عضو هیات تحریر مجله 'علوم و زندگی' و کتاب 'ماه کیهان'  
و مدیر مجله 'نقش و نگار' بود.

آثار داستانی دانشور عبارتند از: "آتش خاموش" (۱۳۲۷)

"ششمی چون بهشت" (۱۳۴۰)، "سوروشون" (۱۳۴۸)، "تبه کی سلام کنم" (۱۳۵۵)  
و رمان "جزیره سرگردانی" (۱۳۷۲). در اینجا فقط اشاره ای به آثارش می شود.  
تذکره تفصیلی درباره موضوعات این آثار در فصل سوم و چهارم این مقاله  
داده میشود. اینجا قابل ذکر است که همین جدا از زنانها  
معروف دیگر بوده است از این لحاظ که برخلاف روش و رواج شعرو  
سخنوری زمینه تئوروسپی را مورد علاقه و پسند قرار نمود. و احساسات  
و عواطف خود را در پیرایه نثر جالبی اظهار نموده است که بیشتر معاصرین  
خود سبقت برد. وی در ادبیات نثر توین حیات شادبانی و سهم سزایی  
بیهوده داشت که از بهترین داستانهای گوناگون و رمان توپان ابران



محسوب می شود. وقتیکه مباحثار وی بعنوان 'سروشون' یوچوآند  
 شهری بسیار بدست آورد زیرا که از لحاظ موضوع و محتوی و روند و  
 زبان و بیان و سبک و شیوه نظری نداشت. تا جائیکه در زبان  
 و ادبیات فارسی زمانها نوشته شده مقام و مرتبه 'سروشون'  
 حائز بالاهست. این اثر جاودانه برای نویسندگان زن جوان  
 و نسل های آینده مشعل راهی باشد.

## فصل دوم

شرح کوتاهی دربارهٔ رمان نویسی و نگارش داستان کوتاه  
در فارسی و سهم سیمین دانشور در این زمینه

داستانهای قدیم ایرانی مانند  
 شاهنامه فردوسی، ویس و رامین، فخرالدین گرجانی، پنج گنج نظامی  
 و صدها اثر دیگری که سخنران فارسی زبان ایران و هند به تعلیم آنها  
 سروده اند. همه به زبان شعر نوشته شده است. علاوه بر  
 این داستانهای منظوم فراوان، قصه‌ها و حکایت‌های محدود مثنوی  
 هم از قبیل اسکندرنامه، مختیارنامه، ابوسلم‌نامه، دارابنامه،  
 سلم‌عیار و بعدها تخریر جدیدی از اسکندرنامه، طوطی‌نامه،  
 قصه چهار درویش، نوش آفرین‌نامه، امیر ارسلان و امثال آنها در  
 زبان فارسی به وجود آمده است. اما رمان و رمان‌نویسی به  
 معنای خاص کلمه تا پیش از اوایل قرن چهاردهم هجری که فرحنگ  
 و دانش عرب به کشور ایران راه یافت، در این کشور سابقه  
 نداشت.

رمانهای اروپایی ابتدا به زبانهای فرانسه و انگلیسی و گاهی  
 عربی و ترکی به ایران می‌آمد و کسانی که به ایران آشنا بودند

آنها را می خواندند و گاهی به زبان فارسی ترجمه می کردند - این ترجمه ها بسیار مفید و تمرینش بودند ، زیرا که ترجمه کنندگان در نقل متون خارجی به فارسی تا حدی از همان اصول داستان نویسی در آن اصلی پیروی می کردند و بدین قرار ، از پیرایه های لفظی و هنر نمایهای شاعرانه که ، تا آن روزگار سرمایه فصاحت و بلاغت شمرده می شد ، تا حد زیادی می کاست با این همه نویسندگان ایرانی در رشته رمان نویسی توفیق زیادی به دست نیاوردند .<sup>۱</sup>

بنا به گفته دکتر محمد استعلای ، نویسنده ادبیات امروزی ایران ، آشنای ایرانیان با ادب و فرهنگ اروپایی اندیشه نوشتن نخستین رمانهای در معزها پدید آورد و نخستین کسانی که در زبان فارسی پدید آوردند به نوشتن رمانهای تاریخی پرداختند میرزا آقاخان کرمانی است که او چند رمان تاریخی درباره مزدک ، مانی ، نادرشاه و شاه سلطان حسین پدید آورد اما این کار او یا به پایان نرسید یا برای ما نماند .<sup>۲</sup>

۱. مجلی آذربایجان ، از بهمانا روزگار ما ص ۲۲۲ انتشارات زوار ۱۳۷۴

۲. دکتر محمد استعلای ، ادبیات امروزی ایران ص ۱۰۶ .

در سالهایی که انقلاب مشروطه در ایران شکل می گرفت مردی از  
 شاهزادگان قاجار که نامش محمد باقر میرزا و در شعر و ادب به  
 'خسروی' معروف بود یک رمان تاریخی به عنوان 'شمش و طغرانوشت'  
 که تصویری از اوضاع اجتماع فارس پس از حمله هلاکو به ایران بود.  
 شمش یا شمش الدین در این کتاب یکی از شاهزادگان خاندان  
 اتابکان فارس است که با سلطه مغول بر ایران موافق نیست. البته  
 این رمان که بیشتر رنگ عاشقانه دارد بیش و کم به اوضاع ایران  
 در سالهای انقلاب مشروطه نیز یوده است. مردی به نام شیخ  
 موسی که مدیر مدرسه همدان بود جلد نخست یک رمان تاریخی را به نام  
 'عشق و سلطنت' در همدان چاپ کرد و یک نسخه آن را برای ادوارد  
 براون فرستاد و به او نوشت که

"می توان گفت اولین رمانی است در ایران به اسلوب مغرب

زمین تالیف شده" <sup>۱</sup>

این رمان سرگذشت کوروش کبیر است و نویسنده آن می خواست

دو جلد دیگر در تکمیل آن بنویسد -

دوین رمان تاریخی که بر جای مانده کتابی است بنام "دام گستران  
یا انتقام خواهان مزدک" که در سال ۱۳۳۹ ق در بمبئی چاپ شده  
و نویسنده اش صنعتی زاده کرمانی است. <sup>۱۰</sup>

امتیاز داستانهای این گروه این است که بر معلومات خواننده  
می افزاید، قلمی روان و شیرین و تعبیرهای خوشایند و دلنشین دارد.  
کتاب پیامبر سه جلد است ترجمه این کتاب به زبانهای انگلیسی  
و فرانسه انتشار یافته است. چند سال پیش، از این نویسنده  
رمان تاریخی بنام "زندگی امام حسین" به چاپ رسید و این نوشته  
هم در شمار کتابهای موفق و پرفروش در آمد.

تنها همین چند تن نیستند که از مایه های تاریخی برای داستان پردازی  
بهره مند شده اند. در میان نوشته های سید فخرالدین شادمان،  
ابراهیم حواجه نوری، محمد مجازی و گروهی دیگر، وصتی در آثار صادق  
هدایت نیز بهره مندی از سرچشمه های تاریخی به چشم می خورد. اما  
همه این نوشته ها را در شمار رمان تاریخی نمی توان آورد بلکه در شمار

رمانهای اجتماعی شمرده می‌شوند.

فستین رمانهای اجتماعی، که زندگی مردم و جامعه را تصویر می‌کند، در سالهای پس از جنگ جهانی اول و تقریباً همزمان با نشر 'یکلی' بود. یکی نبود پدید آمد. اینجا این امر دکتر جعفری‌حقی بزرگوار چون سبوی تشنه قابل ذکر است که در آن رمان 'تهران خوف' را اولین رمان اجتماعی قرار می‌دهد. بنا به گفته او

"اولین رمان اجتماعی یعنی 'تهران خوف' را مرتضی مشفق کاظمی

در سال ۱۳۰۴ منتشر کرد." <sup>۱</sup>

چند رمان دیگر بعدها تحت تاثیر این داستان پدید آمد که هر کدام جنبه‌ای از جنبه‌های اجتماعی دلمرده عصر رضاشاه را در خود منعکس می‌کرد. معروفترین رمانهای اجتماعی این دوره به این فرار اند: 'روزگار سیاه'، 'انتقام' و 'آسار شب' از عباس خلیلی، 'شهر نار' از یحیی دولت‌آبادی، 'نجم دیوانگان' از صنعتی زاده کرمانی، 'جنایات بشر' یا 'آدم فروشان قرن بیستم' از ربیع انفاری

<sup>۱</sup> دکتر جعفری‌حقی، چون سبوی تشنه<sup>۱۳</sup> چاهخانه‌های تهران ۱۳۹۵، ص ۱۶۹.

و زیبا، از محمد حجازی.

بنابه گفته دکتر جعفر باحقی، دو موضوع عمده این داستانها عبارت بود از

"الف، وضع زنان و حقارتها و مفاسدی که گریبان آنان را گرفته بود

ب، فساد اداری و نابسامانیهای فرهنگی طبقه نو ظهور کارمند"

نویسندگان داستانهای اجتماعی فارسی از طرف تحت تاثیر

شیوه داستان پردازی قدیم ایران بودند و از طرف دیگر زیر نفوذ

ادبیات سلطنتی و رمانهای خارجی، به گونه ای که در آثار آنان

تخیلات پهلوانی و زمینهای عاطفی توأم با فداکاری و اندوه بگی

منعکس شده است. در آمیختگی این داستانها با انتقادهای

اجتماعی و اعتراض به جلوه های بد و ناپسند زندگی آن روزها

آنها را آموزنده و سرگرم کننده نشان می داد.

در آن سالها آثار زیادی از نویسندگان اروپایی، بویژه

فرانسوی، به فارسی ترجمه می شد و فضای داستان نویسی و تخیل

نویسندگان را تحت تاثیر قرار می داد. ترجمه آثاری از لامارتین،



الکساندر دوما، شاتو بریان و قطعات و تخیلهای از لرد بایرون، آنا تول  
فرانس، پوشکین و دیگران تاثیر خاص خود را بر رمانتهای اجتماعی فارسی  
به صورتی آشکار بر جای گذاشته بود.

ترجمه بینویان از اثر جاودانه ویکتور هوگو که حسینقلی  
مستان آن را در فاصله سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ منتشر کرد بر جبریان  
داستان نویسی آن سالها اثر مهمی بر جای گذاشت. مستان  
برای ترجمه این کتاب شیوه ای ابداعی به کار گرفته بود که در آن صرف نظر  
از محتوای عنی و انقلابی کتاب ظاهرش خوش آهنگ عبارات و الفاظ  
هم علاقه خواننده را جلب می کرد.

علاوه بر تاثیرات مستقیم ادبیات خارجی از طریق ترجمه ها ،  
از ارمقانهای تحصیل کردگان خارج ، باید یاد کرد که پس از بازگشت ،  
با توجه تخصصی که کسب کرده بودند ، در دانشگاه و نظام آموزشی و یاد  
ادارات و موسسات دولتی و خصوصی به کار گمارده شدند و  
تحول زیادی در جهت تأییل فرهنگ و جامعه ایران به عرب زین به وجود  
آوردند .

آغاز داستان نویسی به شیوه‌ای نوین را می‌توان از زمانی دانست که محمد علی جمالزاده در سال ۱۳۰۰ ش مجموعه‌اش داستان کوتاه خود را تحت عنوان 'یکی بود یکی نبود' در برلین منتشر ساخت. با نشر این کتاب بود که سبک نویسندگی واقع‌گرا در ایران آغاز شد. بعد از انتشار یکی بود یکی نبود این شیوه نثر یعنی داستان کوتاه و یا رمان نویسی اینقدر معروف شد که زیاد از نویسندگان به این شیوه متوجه شدند و توسط خدمات خودشان در دنیای فارسی نام پیدا کردند. در این و شماره از محمد علی جمالزاده، صادق هدایت، جلال آل احمد، محمد مجازی، صادق چوبک، علی محمد افغانی و گروهی دیگر باید سخن گفت.

نگاهی گذرا به تا همایی که در بالا ذکر شد نشان می‌دهد که تمام از آنها مرد هستند یا در الفاظ دیگر بتوان گفت که معروفترین داستان نویسان و رمان نویسان ایران زبن مرد بوده‌اند. ولی میان آنها یک خانم هم بوده است که توسط رمانهای خود نه فقط در ایران بلکه در تمام جهان معروف و مقبول شد. این زن معروف خانم سیمین دانشور است

که توسط شاهکارهای خود مانند 'جزیره سرگردانی' و 'سوروشون' درمان نویسی  
را به اوج رسانیده است .

درصحنات آینده این فعل احوال و آثار چند از معروفترین رمان  
نویسان و نگاران داستان کوتاه فارسی داده میشود . علاوه از آن  
شاهکارهای معروف شان نیز مورد بحث و بررسی قرار داده شده اند .  
منظور من از این نقل این میباشد که معرفی از شاهکارهای رمان  
و داستانهای کوتاه میشود و از آنهایی که رمان نویسی و نگارش داستانهای کوتاه  
را اینقدر اوج دادند معرفی شود . علاوه از این از این بحث میرا این  
نتیجه نیز رسای میشود که رمان نویسی و نگارش داستانهای کوتاه بحث  
مردم یودم بوده است و همین با دست انداختن به این شیوه  
امتیازی برای خود پیدا کرده است .

## سید محمد علی جمالزاده :

سید محمد علی جمالزاده پسر سید جمال الدین واعظ اصفهانی است که در سال ۱۳۰۹ هـ ق در اصفهان زاده شد. تحصیلات مقدماتی را در تهران گذراند و در آغاز سال ۱۳۲۴ هـ ق به بیروت رفت و دو سال بعد از طریق مصر عازم پاریس شد. در سال ۱۳۳۳ هـ ق در فرانسه به دریافت لیسانس حقوق نایل آمد. دهان سال، که آتش جنگ جهانی اول در حال بالا گرفتن بود، به برلین رفت و در کنار آزاد سخاوهان ایران قرار گرفت. طی یک مأموریت کوتاه از طریق بغداد به کرمانشاه رفت و پس از توفیق کوتاه دوباره به برلین بازگشت و چندی بعد همکاری علمی خود را با روزنامه کاوه آغاز کرد. نخستین داستان جمالزاده "فارسی شکر است" ابتدا در همین روزنامه و بعد هم در مجموعه "یکی بود یکی نبود" انتشار یافت. <sup>۱</sup>

یکی بود یکی نبود حاوی شش داستان است به نامهای "فارسی شکر است"، "رجل سیاسی"، "دوستی خاله خرسه"، "درد دل ملا قربانلی"

بیله دیخ بیله چغندر، 'و ویلان الدوله' که همه آنها طی چند سال پیش از انتشار به زبان ساده و تاحدی عامیانه نوشته شده است. در همه این داستانها نویسنده بیشتر از آنکه به محتوا توجهی داشته باشد، به سبک نویسندگی نظر داشته و هدف اصلی او این بوده است که کلمات و تعبیرات عامیانه و متداول در زبان فارسی آن روزگار را در نوشته خود بکار برد و آن را با طبیعت و ذوق خوانندگان نزدیک گرداند و این شیوه تقریباً به همان راهی رفته است که پیش از او زین العابدین مراغه ای در سباحتمه ابراهیم بیگ و علی اکبر دهخدا در نوشته های کوتاه "چرند و پرند" رفته بودند.

انتشار 'یکی بود یکی نبود' مانند انقلابی بود در نشر جدید فارسی و برای نویسندگان دیگر سبب توجه خاصی بود. نویسندگان و خوانندگان همه آنها از این اثر جاودانه تشویق گرفتند و اینطور این کتاب ایجادگر سبک نو بود. در این باره یحیی آردبانی در اینطور اظهار می نماید

”انتشار این کتاب و لوله ای در میان خوانندگان قارسی  
 زبان انداخت و گروهی بر ضد آن صف آرای کردند. نویسنده  
 جوان جرأت کرده بود، نخستین بار، برخلاف رسم و عادت  
 به زبان محاوره مردم کوچه و بازار و با اصطلاحات و تعبیرات  
 متداوله آنها سخن گوید و اوضاع و احوال و اشخاص را،  
 چنانکه بود و هستند توصیف نماید. اما خوانندگان عوالمند  
 و صاحب نظر در یافتند که حادثه جدیدی در ادبیات ایران  
 در شرف تکوین است.“

حکایت‌های یکی بود یکی نبود جای خود را در ادبیات منتور ایران باز کرد  
 و از آن پس گروهی از جوانان با ذوق ایرانی در راهی که جمالزاده هموار کرده بود  
 قدم نهادند.

جمالزاده با وجود آنکه پس از این مستمراً در خارج از وطن به سر  
 برده است، بر زبان و فرهنگ و سنتی خاص ایرانی تاکید ویژه ای  
 داشته و همواره از آنها در نوشته‌های خود بهره برده است. با اینهمه

اقامت طولانی و محنت او در خارج، وی را سیر تحولات زبان و فرهنگ ایرانی  
 بی‌خبر نگه داشته و در نتیجه آثار بعدی او نتوانست است از اصالت  
 موجود در آثار دیگر نویسندگان ایرانی و رنگ زمانه برخوردار باشد. با این  
 حال باید او را پیکارم داستان‌نویسی و منادی ساده نویسی فارسی  
 قلمداد کرد. جمالزاده پس از 'یکی بود یکی نبود' داستانهای کوتاه  
 و بلند دیگری انتشار داد که بهترین آنها به این شرح است:  
 'دارالجهانین' (سال انتشار ۱۳۲۱) ، سرونه یک کرباس (۱۳۲۳) ،  
 راه آب نامه (۱۳۲۶) ، تلخ و شیرین (۱۳۳۴) ، شاهکار (۱۳۳۷) ،  
 هفت کشور (۱۳۴۰) ، شور آباد (۱۳۴۱) ، قصه‌های کوتاه برای  
 بچه‌های ریشدار (۱۳۴۲) ، قصه ما به سر رسیده (۱۳۵۷)  
 علاوه از این داستانهای کوتاه و بلند جمالزاده مقالات هم  
 نوشت که در مجلات منتشر شد و همین‌طور چند از شاهکارهای خارجی را  
 به فارسی ترجمه کرد و این ترجمه‌های جمالزاده را نیز باید در شمار آثار  
 با ارزش او آورد. - یحیی‌آرپانور در باره اهمیت و ارزش ترجمه‌ها که ارجع به  
 جمالزاده بودند اینطور اظهار می‌نماید:

نوشته‌های جمالزاده، بویژه نوشته‌های نخستین او، مورد مطالعه و ارزیابی ادب‌شناسان غیر ایرانی واقع شده و به چندین زبان زنده جهان ترجمه گردیده است. از جمله، نهاد آلپ تورک، اسناد دانشگاه اتا تورک (درارز روم)، پایان نامه دکترای خود را در دو جلد به زبان فارسی درباره جمالزاده، داستانسرایی ایرانی انتشار داده و راهنمایی او در این کار، دکتر محمد اسلامی نندوش بوده است. آلپ تورک جمالزاده را به عنوان یکی از پیشوایان نهضت جدید و تحول‌طلب در ادبیات معاصر ایران معرفی کرده و یکی بود یکی نبود را در شماره شاهرهای ادبیات فارسی خواننده<sup>۱</sup>.



## صادق هدایت :

در سال ۱۲۸۰ ش نویسنده ای در ادبیات ایران ظهور کرد که نه تنها در ایران بلکه در بیرون از مرزهای کشور خود نیز شهرت و معروفیت یافت این نویسنده توانا صادق هدایت بود. صادق هدایت که اصلاً در یک خانواده اشرافی زاده شده بود، در جوانی به اروپا رفت. سالهایی در پاریس ماند و با زبان و ادب فرانسه آشنایی یافت و در همان سالهای جوانی چند داستان نوشت که در آنها آثار سرگردانی و بی‌پناهی یک جوان اندک‌سازد دیده می‌شود.

هدایت در اواخر سال ۱۳۰۸ و اوایل ۱۳۰۹، نخستین داستانهای زیبای خود را بنام 'مادلین'، 'زنده یگور'، 'اسیر فرانسوی' و حاجی مراد در پاریس به رشته تحریر کشید؛ و پس از بازگشت به ایران داستان 'آتشپرست' و سپس داستانهای داود گورزپشت، آنجی خانم و مرده خورها را در تهران نوشت و آنها را با نوشته‌های پاریس یکجا در مجموعه ای بنام 'زنده یگور' در سال ۱۳۰۹ منتشر کرد. و سال بعد 'سایه مغول' را در مجموعه ای بنام 'انیران' با دو اثر از بزرگ علوی و

و دکتر 'شش پرتو' انتشار داد. ازین سال بعد، تا سال ۱۳۱۵ که به هندوستان رفت، پربارترین دوره فعالیت‌های ادبی هدایت بود.

هدایت در سال ۱۳۱۵ به دعوت دکتر شیراز پور پرتو (شش پرتو)، عضو وزارت امور خارجه که در آن هنگام ویس کنسول ایران ایران در بمبئی بود و با تحصیل مرخصی به ایران آمده بود، به عنوان متخصص تنظیم دپالوگ فیلم فارس به هندوستان رفت؛ و در این سفر که کمتر از یک سال طول کشید، با فرهنگ غنی هند آشنا شد و اطلاعات وسیعی در زبان و ادبیات فارسی بیانه (پهلوی) دست آورد.

همین جاساکار معروف و پیمانده خود با بوف کور را که در تهران شروع کرده بود به اتمام رسانید و آن را در همان سال ۱۳۱۵ با حفظ خود به صورت بلی کپی در چهل پنجاه، و به قومی در صد و پنجاه نسخه چاپ کرد.

جنگ دوم جهانی در حیات سیاسی و اجتماعی ایران تغییراتی داد. این سالها که دوران شکفتگی آثار اکثر نویسندگان و شاعران ایرانی بود، در زندگانی هدایت نیز دوره نوینی بوجود آورد و قریحه نویسندگی او را

به حد کمال خودار ساخت . وی در فاصله ۱۳۲۱ - ۱۳۲۳ دو مجموعه داستانهای کوتاه 'سگ و لگد' و 'ولنگاری' را انتشار داد که بعضی از داستانهای آن دو مجموعه ، از آثار سالهای قبل او بود که نخستین بار منتشر شد .

آخرین اثر ادبی هدایت داستان حاجی آقا است که به نهمین دوره دوم مجله سخن در سال ۱۳۲۴ انتشار یافت .

این نویسنده معروف در سال ۱۳۳۰ خودکشی کرد و بدین قرار دفتر زندگانی چهل و هشت ساله یکی از تابناکترین قلم‌های هنری ایران معاصر بسته شد .

اکثر نوشته های هدایت و بسیاری از داستانهای او با مرگ و خودکشی پایان می یابد ؛ و کسانی که به عقیده خود ، هدایت را می شناسند و بوف کور او را خوانده اند ، می گویند که سالها پیش ، سرانجام دردناک او را پیش بینی کرده اند .

تنگینز کش لاوا و ناقه بن و صاحب نظران شوروی معتقداند که نویسنده در نخستین مرحله از زندگی ادبی خود یعنی از روزی که قلم در دست گرفت تا سال ۱۳۲۰ ، معهور حیرت با تهای ادبی غرب و نویسندگان

واندیشم میزان غزنی بوده تا حدی که از مشاهده حقایق و افعات زندگی  
غافل و بی‌دور یامده است.

کشم فلاوا و هم مکتبان او می‌پندارد که بسیاری از نوشته‌های  
هدایت در این دوران (مانند زنده بگور، آتش پرست، سه قطره  
خون، عروسک پشت پرده، آئینه سگت و غیره) در تحت تاثیر هنر و  
ادبیات منخط (decadent) اروپایی غزنی و با تاثر از تعالیم مکتب  
امپرسیونیسم (Impersonalism) به وجود آمده است.

آثار او درین دوره نایشگر زندگی و اندیشم قربانان بیمار و  
بیمارگونه و صحنه‌های پراز دلهره و اضطراب و صیحات عصبی و نرس  
و حراس و مرگ است. قربانان آثار او در این مرحله نویسنده‌ی  
تاب تحمل سختیها و دشواریهای زندگی را ندارند، همه‌ی میبند و  
پادست به خودکشی می‌زنند، و از ورای این تصاویر دردآلود  
است که مزباید اعتراض نویسنده در برابر وضع حفقان آور روز و  
بدبها و بهراهی‌های تاشی از آن به گوش می‌رسد.

هدایت در سالهای ۱۳۲۱ مجموعه داستانهای سگ و لکزد و در زمستان  
 سال ۱۳۲۲، که سر نوشت ملک آزاد جهان در پشت دیوارهای  
 استالینگراد تعیین می شد، داستان کنای آب زندگی و در  
 سال ۱۳۲۳ مجموعه داستانهای و لنگاری، و سرانجام در سال  
 ۱۳۲۴ داستان حاجی آقا را به به بازار مطبوعات آورد.

این دوره از زندگی و نویسندگی هدایت چنانکه می دانیم، مقارن  
 است با پیمانهای سگرت تاریخی مانند جنگ دوم جهانی، مبارزه  
 ملک آزاد جهان یا ناسیسم، رشد و پیشرفت نهضت های آزاد بخش در  
 سر تاسم اقطار زمین، که این همه تهنه در فکر و نوشته های هدایت  
 نیز اثر نهفته است. در این مرحله از نویسندگی هدایت، به حکم  
 شرایط زمان گفته واقع گرایی و واقع اندیشی سببگینی می کند،  
 مسایلی که از حقیقت تلخ زندگی سرچشمه می گیرند در نوشته های او  
 مطرح می گردد و عوامل و هم و پندار، که نوشته های پیشین او را  
 رنگ آمیزی می کرد، آهسته و آرام به بیرون می خرد و نصا و پیر  
 پر روشن و واقعی زندگی به جای آن می نشیند، نویسنده و ایده نولوژی

وحشی و بی لحام ناشیسم را محکوم می‌کند، بر ضد استعمار و استملاک  
 گمری بنهد، دنیای زیبا و باشکوه آینه را در پیش چشمان خسته و  
 منتظر مردم، مردی که از خود سربها و افسار گینگیها به  
 جان آورده اند می‌گترانند و به حمایت از منافع عالیه کشورش،  
 کشوری که در دامان مبر او پیورده شده و آن همه دوستش دارد،  
 سر مست لزه عشق و امان، کوتاهیها را فاش و میرملا می‌سازد.  
 اینطور می‌بینیم که صادق هدایت سهم بزرگی در صحنه داستان نویسی فارسی  
 انجام داده است و بلا تردید مبان یکی از بزرگترین نثر نگاران فارسی جدید  
 به شمار می‌آید.

## بزرگ علوی<sup>(۱۳۸۷)</sup> :

از دوستان نزدیک هدایت بود. علوی در آلمان  
 تحصیل کرد و بیشتر ایام زندگی خود را به دلایل سیاسی در آن جا بسربرد.  
 در همان سالهای نخست یک رمان و بعدها دهها داستان کوتاه نوشت  
 از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ نوشته‌های او در ایران اجازه انتشار نداشت

رمان مشهور او "چشم‌هایش" نام دارد که طاهره با الهام از زندگانی و کارهای کمال‌الملک نقاش معروف عصر رضا شاه نوشته شده است. علوی در این رمان از روشی بدیع سود بردن است. به این معنی که قطعات پراکنده یک ماجرا را هم هم گذاشته و از آن طرحی کلی آفریده است که به حدس و گمان تکیه دارد. اشارات تاریخی کار او هم محل و محل بحث و گفتگو است. این کتاب از محدود آثاری است که یک زن با تمام عواطف و نوسانهای روانی در مرکز آن قرار گرفته است، زنی خطرناک و هوسباز که می‌داند استاد ماکان<sup>نقاش</sup> قهرمان کتاب هرگز به ژرفای روح و روان وی پی نبرده است.

مجموعه‌های چمدان، میرزا، سالارها و یادداشت‌های زندان او بعنوان‌های "ورق‌پاره‌های زندان" و "پنجاه و سه نفر"، وی را در مسیر نویسنده‌گی به شیوه رمانتیک اجتماعی، تا حدود زیادی موفق معرفی می‌کند. مضمون بیشتر داستانهای علوی از آرمانهای سیاسی و حزبی او الهام می‌گیرد. قهرمانان او اغلب انسانهای ناکامی هستند که دور از وطن در غربت و آوارگی سری می‌کنند.

## صادق چوبک :

یکی از نویسندگان معروف که در ۱۳۶۹ در بوشهر زاده شد و در بنابه گفته دکتر جعفر باحق در آثار ملی وی رنگ و بوی جنوبی خوبی پیدا است کتاب "خیمه شب بازی" نخستین دفتر از مجموعه داستانهای صادق چوبک در سال ۱۳۲۴ از چاپ بیرون آمد. در داستانهای اویش یعنی مجموعه داستان کوتاه خیمه شب بازی بیشتر به توصیف مناظر و تمایش روحیه افراد و بیان روابط شخصیت‌های با یکدیگر پرداخته می‌شود. چوبک در همان سال آرام آرام سرزبانها افتاد و هنرهای که دو مین کتابش "انتری که لوطیش مرده شد" درآمد بیشتر نامود شد. رمان پرمای "تنگسیر" که شهرت نویسنده آن را به اوج رسانید بر اساس یک واقعه تاریخی بنا شد و خاطره مردمی را بازی گوید که برای گرفتن حق خود سلاح به دست می‌گیرد. در تنگسیر حوادث بسیار حد و پرجاذبه رو می‌دهد که همیشه خواننده را در حالت انتظار و تعلیق نگاه می‌دارد.

داستان بلند دیگر چوبک سنگ صبور نام دارد که در سال ۱۳۱۳



در یک خانه پرستاجر واقع در شیرازی گردد.

دو مجسمه چراغ آخرو روز اول قبر در برگیرنده داستانهای کوتاه دیگری است که به نازکی و نیرومندی داستانهای اولیه او نیستند. در داستانهای کوتاه چوبک مجموعاً اشخاص بدبخت و بی پناه و سرگردان جامعه حضور دارند که نویسنده با دقت و بیطرفی هم چیز مثبتات زندگی آنان را از طریق توصیف به پرده تصویر کشیده است. این ویژگی رو به همرفته داستان نویسی چوبک را به مکتب 'نانوالبسم' عنزی نزدیک کرده است. چوبک از نویسندگانی نثر است که در گفتگوی شخصتهای خود به هورت موفقیت آمیزی از زبان شکسته (ماوره) استفاده کرده است.

این اوصاف چوبک وی را میان نویسندگان معروف نثر جدید قائم کرده است. و همین علت است که تا اینروزها پاد کرده می شود.

## محمد حجازی :

محمد حجازی مطبع الدوله در فروردین ماه ۱۲۸۰ هجری ش در تهران به دنیا آمد.  
پدرش سپید نصیر اللہ مستوفی (وزیر لشکر) اهل تفرش و از مستوفیان معروف بود.  
تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه سن لوئی تهران به پایان برد و چهارده  
سال پیشتر نداشت که پدرش درگذشت و او از جوانی وارد خدمت دولت شد.  
در سال ۱۳۰۰ از طرف وزارت پست و تلگراف به اروپا رفت و هشت سال  
در آنجا گذرانید و پس از مراجعت به ایران باز مدتها در آن وزاتخانه یکی از  
اعضای عالی رتبه و دارای مناصب و مشاغل عمده بود و در سال ۱۳۱۱ مجله پست  
و تلگراف و تلفن را منتشر کرد.

حجازی از سال ۱۳۰۰ قدم به عالم نویسندگی نهاد و در پاریس بود که نخستین  
داستان خود را به نام 'صفا' به قلم آورد. داستان کمی بخش از انقلاب اکتبر، هندوئی که  
مناطق شمالی ایران در اشغال سپاهیان امپراتوری روس است، اتفاق می افتد.  
در رمانهای حجازی صفا تنها زنی است که در سطحی بالاتر از زنان روزگار خود قرار  
گرفته است: او تحصیلات کافی کرده و کتاب زیاد خوانده است. ساعتی دراز در

موضوع هر کتابی که خوانده با حسنعلی خان (قهرمان این رمان) بحث می‌کند و حتی گاهی به مرتبه با فضل و کمال خود درس زندگی و عمل و اخلاق می‌دهد. اما نباید فراموش کرد که این رمان در سال ۱۳۰۴ نوشته شده و در آن زمان دختران تحصیل کرده و باسواد در ایران زیاد نبودند و شاید راز اینکه نویسنده عروس داستان را با آن ترتیب خاص پرورش داده و با صفات و فضیلتی که بالا تر از خواهران دیگر خود آراسته است همان باشد که خواسته محمدعلی برای نزدیکی پیش از اندازه حسنعلی خان به زن و دختر دوست متوقای خود و دیدارهای قبل از ازدواج هما با منوچهر بیندیشد و بتواند حتی المقدور به رویدادها و ماجراهای قهرمانان رنگ طبیعی بدهد.

حجازی یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۰۸ رمان پرچمپهر را انتشار داد و پس از آن رمان قطور و منصل زیبا را پدید آورد. و بعدها جلد سومیه آن اضافه کرد. موضوع هر دو رمان سر نوشت زن ایرانی است. نویسنده در چهره پرچمپهر و زیبا خواننده را با زنان مستغرق در فساد که دامان خود خانواده‌های اشرافی را به ناز و نعمت پرورش یافته اند، آشنای کند. هر دو رمان، مخصوص

'زیبا'، اگر چه گاهی از بعضی جهات زندگی طبقه متوسط شهری انتقادی شود، مثل همه کارهای مجازی جنبه اخلاقی و آموزشی دارد. زیبا در میان رمانهای مجازی مقام ممتازی دارد - در این رمان - برخلاف داستانهای دیگر نویسنده، مثلاً 'هما' - به واقعیت بیشتر توجه شده و احساسات و تحولات کمتر در آن راه یافته است. رویدادها جریان عادی و طبیعی خود را طی می کنند و خواننده کمتر احساس می کند که با داستانی ساختگی و دروغین روبرو است. قهرمانان و همه کسانی که به نحوی در جریان حوادث شرکت و دخالت دارند مردمان زنده اند و همگی نماینده صادق تپ خودی باشند.

تقریب سی سال از چاپ 'هما' و 'پژمهر' و 'زیبا' گذشته بود که مجازی، در اوایل سال ۱۳۲۲، دو رمان دیگر خود را، به نامهای 'پروانه' و 'سرسک' انتشار داد.

سید نفیسی : سید نفیسی فرزند میرزا علی اکبر خان ناظم‌الالهی و نواده حکیم  
 برهان‌الدین نفیسی بن عوض کرمانی طبیب معروف قرن نهم هجری صاحب شرح  
 اسباب و تالیفات دیگر، در تاریخ ۱۸ خرداد سال ۱۲۷۴ در تهران به  
 دنیا آمد. تحصیلات سه ساله ابتدایی را در مدرسه شرف، یکی از نخستین مدارس  
 جدید که پدرش تأسیس کرده بود، گذراند و تحصیلات متوسطه را در مدرسه علمیه،  
 پلکانه مدرسه‌ای که دوره متوسطه داشت، در اواخر بهار سال ۱۲۸۱، در تهران  
 به پایان رسانید. تازه به پانزده سالگی قدم نهاده بود که برادر همنش، دکتر  
 اکبر خود نفیسی، که خلبان در سفری که به اروپای رفت، او را برای اداره  
 تحصیل با خود به آنجا برد. نفیسی تحصیلات خود را در شهر نوشاتل سوئیس و  
 دانشگاه پاریس انجام داد و در سال ۱۲۹۷ به ایران بازگشت و ابتدا به  
 تدریس زبان فرانسه در دبیرستانهای تهران پرداخت و بعد در وزارت فلاحات  
 و تجارت و خواهر پدعامه مشغول خدمت شد.

از نفیسی دو مجموعه داستان (ستارگان سپاه و ماه خشب)،

یک غایتنامه کوتاه (آخرین یادگار تادرشاه)، سه رمان (فرنگیس،

نیم راه بهشت و آتشیهای نهفته) و چند قصه ادبی تاریخی به یادگار مانده است  
 ماه خنثب شامل چهارده قطعه کوتاه تاریخی داستان مانند و، به عبارت  
 بهتر، چیزهای مفاله دار است که نویسنده آنها را در بیست و یک سال به قلم  
 آورده. نویسنده در این کتاب، از بیان پیش از پنجاه تن دلبران و بزرگمردانی  
 که در تاریخ دوره اسلامی ایرانی درخشیده اند در باره چهارده تن سخن گفته است  
 سعید نفیسی سعی دارد که نکات و تمایز تاریخی را حتی المقدور رعایت کند و  
 قهرمانان داستانهای خود را با صفات و خصایص ملی و انسانی بیاراید و با  
 گفتار و کردار و حالاتی که داشته اند به درستی و صداقت معرفی نماید. با این همه،  
 گاهی بر اثر طغیان احساسات میهن پرستانه، خواصی خصوصی چهره واقعی این  
 افراد شایسته را در میان حاله ای از وهم و خیال نمایش می دهد.  
 ارزش هنری داستانهای تاریخی نفیسی از دو رمان او - نیم راه شب  
 و آتشیهای نهفته به مراتب کمتر است و با این همه، این مجموعه داستانها  
 بارها تجدید چاپ شده و خواننده فراوان دارد.

در آخر این فصل ذکر آن نویسنده میباشد که خدمت همی در زمین ادبیات  
 داستان انجام داده است و رشته عمیقی از سینما و انشور داشت. این  
 نویسنده معروف جلال آل احمد است که شوهر سینما و انشور بنز بوده است.  
 "جلال آل احمد در عرصه نویسندگی دهه های گذشته ایران از دو جهت  
 متمایز است: نخست اینکه او در یک خانواده کاملاً مذهبی و خوشنام  
 دیده به جهان گشوده بود، اما جویندگی و عطش روحی وی را از مسیر  
 تجربه های کوناگون عبور داد و هرگز نتوانست در یک جا اکتفا در بستر  
 آرامش محض باورهای دینی آرام گیرد. و دیگر آنکه شاید تحت تاثیر همین  
 زندگی پرتکاپو و سرشار از مسئله بود که به شیوه و سبک جدیدی از  
 نویسندگی دست یافت که تا مدت ها نویسنده مان جوان نسل بعد از خود را  
 سبقت زبان و اندیشه خویش قرار داشت" ۱

آل احمد نخستین داستان خود را به سال ۱۳۲۴ با عنوان 'زبانت' در  
 مجله سخن چاپ کرد. مجموعه 'دید و باز دید' او هم در این سال منتشر گردید.  
 داستان از رنجی که می بینم' بیشتر تحت تاثیر شعراهای حزبی درباره

۱- دکتر جعفر باحقی، چون سبوی تشنه، ص ۶۶

فشاری که حکومت بر کارگران و افراد سیاسی می آورد، در سال ۱۳۲۶  
انتشار یافت.

در دو مجموعه داستان 'سه تار' و 'زن زیادی' نادانی، تعصب و  
ناداری مردم کوچ و بازار را با لحنی انتقادی تصویر کرد. 'سرگشته‌ها'  
را دربارهٔ مسایل سیاسی مربوط به ملی شدن صنعت نفت ایران نوشت  
که صورت تمثیلی داشت.

مشهورترین اثر داستانی آل احمد داستان بلند 'مدیر مدرسه'  
است که به سال ۱۳۲۷ انتشار یافت. مدیر مدرسه سرگشته مدیری  
بی پناه است که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، که فضای اداری ماسد  
سرا انجام او را به ناامیدی کشاند. 'نون و القلم' کوشش دیگری است  
برای بازگویی اوضاع اجتماعی در قالب داستان. نقره زین در واقع  
ادامهٔ مدیر مدرسه است و در آن معلم روستا به گزارش تحولات روستا  
در روزگار املحات ارضی می پردازد. این کتاب یکی از نخستین رمانهایی است  
که در آن نویسنده به مسایل روستا و ادبیات روستایی می پردازد. مجموعه  
'بخبخ داستان' که پس از ترک او به سال ۱۳۵۰ منتشر شد، در برگیرندهٔ



داستانهایی است که نویسنده از دوران کودکی خود به یاد آورده است. زندگانی  
آل احمد در شهریورماه ۱۳۴۱ به پایان آمد درحالیکه ۴۶ سال بیشتر  
نداشت.

علاوه بر داستان و شاید بیشتر از آن، آل احمد به مسایل اجتماعی  
و روستایی و نوشتن شرح دیدارهای خود علاقه داشت. و این  
اثرات در آثارهای سپین نیز دیده میشود. سپین و انشور نیز این  
موضوعات را در آثارش بیان نموده است. و این نشانه‌دهنده این امر  
میباشد که سپین از افکار شوهرش نیز متأثر بود و از آنها استفاده  
نیز میکرد. ولی اینجا از این بحث گریز نکنم و این مغل را همین جا پایان  
برسانم با یادآوری این نکته که رمان نویسی و نگارش داستان کوتاه  
باعث توجه نویسندگان مرد بوده است ولی سپین و انشور نیز اینرا  
برای خود انتخاب کرد و کارهای بسیار مهمی انجام داد که <sup>تنبیه</sup> صیقلیت فراموش کرده شود  
اینجا این امر نیز قابل ذکر میباشد که بیان آن <sup>زینبندان</sup> مردم که در بالا مذکور شدند  
و انشور اولین زنی بود که دست به رمان نویسی انداخت و در این زمینه نام پیدا کرد.

## فصل سوم

سو و شون بعنوان ستون برجسته ای رمان نویسی  
امروزی در ایران

در فصل دوم از چند تن از معروفترین

رمان نویسان فارسی معرفی شد و چند از مقبولترین رمانهای فارسی  
نیز مورد بحث قرار گرفتند. سووشون یکی از معروفترین رمانهای فارسی  
است که نه فقط در ایران شهرت بسیاری یافت بلکه ترجمه این  
کتاب بیرون از این کشور نیز مقبولیت بسیاری حاصل کرد.

سووشون در سال ۱۹۴۹ به چاپ

رسید و بعد از آن چاپهای مکرر خورد. همین دانشور نویسنده  
این کتاب که در سال ۱۹۴۵ قدم به نویسندگی انداخته بود، اثری  
که باعث شهرتش شد، همین رمان است. نه فقط این بلکه این  
رمان همین را در صف یکی از معروفترین رمان نویسان ایران آورد  
و اینروزها بدون تردید بزرگترین رمان نویس ایران شمرده می شود.  
سووشون در ادبیات فارسی معاصر

سنگ میل است به این علت که این اولین رمانی بود که از قلم یک  
زن آمده و از حس زنانم نوشته شده بود. این رمان از لحاظ  
تکنیک، ساخت جمله و طرز نویسندگی هیچ نقی ندارد و از هر لحاظ  
دارای اهمیت خاصی است

رمان 'سو و شوت' (۱۳۴۸) نوشته سیمین دانشور، پر خواننده ترین  
 رمان فارسی، آغازگر فصلی تازه در تاریخ داستان نویسی ایران به شمار  
 می آید. دانشور در این داستان پر حرکت و ماجرا، با نثری شاعرانه،  
 دقیق و محکم، تصویری درونی و هنرمندانه از تحولات منطقه فارس  
 در سالهای جنگ دوم جهانی به دست می دهد. شخصیت‌های رمان  
 با قدرت مشاهده درخشان ترسیم شده اند؛ اینان آنقدر مشخص  
 اند که هر یک روحیه و ملکه عملکرد گروه اجتماعی معینی را مجسم می کنند.  
 البته هیچ یک از آنان در حدیثی نمی ماند، همه شان فردیتی خاص دارند  
 و به آسانی از یکدیگر تمیز داده می شوند. فکر اصلی رمان انسان مبارز است  
 به همین جهت در سراسر داستان شاهد درگیری "یوسف" - قهرمان رمان.  
 با آدمهای خود فروخته هستیم. ستینز پرتلاش خانواده او با ریزه کاپهای  
 روانی و عاطفی، بر زمینهای زندگی مردم یک منطقه در یک دوره خاص  
 تاریخی، گسترده می شود. هر چند یوسف در کشاکش بین واقعیت  
 موجود و آرمان به شهادت می رسد، اما عامل پداری دیگران و مخصوص  
 همسرش زری می شود.

داستان از نظر گاه زری روایت است می شود و شیوه گسترش  
طرح آن کلاً تابع مسئله نظرگاهی است که نویسنده برای روایت داستان  
برگزیده است. زری ملوس ترین قهرمان رمان، در همه درگیرها حضور  
دارد و وقایع را به ترتیب توالی زمان واقعی نقل می کند. ماجراها با  
ساخت و پرداخت دقیق و صاعنک پیش می روند. وقایع فرعی با مهارت  
چشمگیری به طرح اصلی می پیوندند، جزئی از آن می شوند و در خدمت  
پیشبرد آن قرار می گیرند تا تصویر کامل و انباشته از سایه روشنهایی  
به دست دهند که جلو ساده شدن واقعیت را می گیرند.

فضول رمان، به تناوب، در نقاط مختلف جامعه و خانه می گردد  
زری همه چیز را می بیند و می شنود، تاثیر می یابد و شخصیتش در گون می شود.  
به گفته منتقدی، «الشر» رشته صحنه های شلوغ را به کوچک ترین بارقه  
و بخواهای آهسته و تپج تپج های فرو خورده منتقل می کند، آن هم با بیانی هم  
و صنی هم وحشی<sup>ش</sup> و یا

” این اثر... تقابل ذهن زری است با بیرون، تقابل

تلمیوحیود به گذشته و تعلقات شخصی، محدود به حصارخانه خانه و محدوده  
 که ورای این قلمرو حضور دارد و اندک اندک به حصارهای خانه و محدوده  
 متعلقات زری نفوذ می‌کند. "تجاوز به حریم خانه زری از به  
 عاریت گرفته شدن گوشوارهای او و اسب پسرش شروع می‌شود و به  
 کشته شدن یوسف می‌انجامد.

در حین گذر جسمی - روحی زری از جامعه به خانه و بالعکس،  
 تک‌گویهای شخصیهای دیگر رمان گنجانده شده است. آوردن تک‌گویهای  
 دیگران از ضعفهای داستانی بد شیوه اول شخص مفرد است. زیرا  
 در این شیوه نقل داستان، راوی فقط می‌تواند از احساسات درونی خود  
 بگوید و در جریان خصوصیات درونی دیگر شخصیتها قرار نمی‌گیرد. محدودیت  
 دانشور در رعایت زاویه دید اول شخص - برای حفظ پیوستگی ساختمان  
 رمان ار را وای دارد تا برای گسترش میدان دید رمان و در بر گرفتن  
 صحنه‌های جامع از زندگی اجتماعی، از تک‌گویهای شخصیهای دیگر استفاده کند  
 و حوادثی را که به سیر رمان وابسته اند و زری در آنها حضور ندارد،

به رمان داخل کند، منتقدی این کار را عامل آشفته شدن رمان و  
فرضی شدن واقعه و دور شدن خواننده از متن اصلی رمان می داند و می گوید  
" اگر رمان به شیوه سوم شخص بیان می شد، وجود نگ گوئیهای طبیعی بود<sup>ند</sup>  
هر چند نگ گوئیها توجه خوانندگان را از مسیر داستان اصلی به داستان  
فرضی منحرف می کند، اما برای پیشبرد درونمایه داستان لازم اند.  
مثلاً نگ گوئی عمه خانم جهت آشنایی با زسبنه های شکل گیری شمیبهت  
یوسف موثر است. هر چند جدا از ماجراهای رمان نیز داستان  
خواندنی راز تزلزل روی زاهدی است که شیفته رقصه ای هندی  
می شود. تک گوئی افسانه ای از چگونگی برخورد نیروهای ارتشی  
با عشایر، روشنگر هستی از وقایع تاریخی دوران رویدادهای  
رمان است. اما تک گوئی مک مامون، نشانگر علاقه دانشور به  
لحن افسانه های کودکان است و به ترفند دقیق داستان را  
مخدوش می کند.

در نخستین فصل رمان، زری همراه یوسف در مجلس عقدکنان دختر حاکم می بینیم. در حین توفیق ماهانه عروسی، فضای اجتماعی سالهای ۱۳۲۰ ساخته می شود؛ سالهایی که انگلیس در فارس نیرو پیاده کرده و جنگ ناخواسته، با خود قحطی و بیماری آورده است. حاکم ایران منطقه، دست نشانده اشغالگران است و خانها و تاجران با فروش آذوقه مردم به ارتش پهلوان، قحطی ایجاد کرده اند. یوسف، خان روشنفکر و متکی به ارزشهای بومی حاضر نیست با فروش آذوقه های خود به بیگانگان بر وسعت قحطی بیفزاید.

”یوسف با تعجب پرسید: از دست من گریه می کنی؟ من نمی توانم مثل همه مردم یا شتم. نمی توانم رعیت را رسنه بینم. نباید سرزمینی خالی خالی از مرد باشد.“

یوسف می خواهد در سرزمینی که پهلوانهایش اخته شده اند و حتی امکان مبارزه هم باقی نمانده است قهرمان شود. بی خوردن و تشنه آب نیز او با مراسم عروسی (که خشم انگلیسها را برمی انگیزد)، در معرفی



منشهای او اهمیت اساسی دارد. اما زری سلامت جو پانته ، می کوشد  
او را آرام کند . او زنی است که در وصعیتی آشوب زده در تکر آرام  
نگهداشتن محیط خانه خویش است . همه زنان سووشون ، حتی چهره های  
منفی چون عزت الدوله هر یک به نوع وجوه گوناگون ستم پدگی ، بی پناهی ،  
ناکامی ، فداکاری و تحمل زن ایرانی را به نایش می گذارند . توصیف هنرمندانه  
دنیای عینی و ذهنی زنان ، از بزرگترین توفیقهای دانشور در این  
رمان است .

در سه فصل آغازین ، با ایبازی ماهرانه و درخور حسین ،  
صحنه کلی داستان چیده می شود و شخصیتهای اصلی معرفی می گردند ؛  
عزت الدوله پیرزن اشرفی و دسیه گر ، که همچون ابوالقاسم خان ،  
برادر یوسف ، حزدور حاکم و بیگانان است . 'سرحبت زینگر'  
مأخوذ فرزندش چرخ خیاطی و جاسوس انگلیسیها ؛ 'مک راهون' خبرنگار  
اگر لندی که چون یوسف در آرزوی استقلال میهن خود می سوزد  
و شعر درخت استقلال را می خواند اما جشن ارتش انگلیسی را هم

صحنه‌گردانی می‌کند، و بسیاری از شخصیت‌های فرعی رمان به شیوه‌ای طبیعی در سیر وقایع داستان قرار می‌گیرند.

در فصل چهارم با ورود دو خاقان قشقای، ملک رستم و ملک سهراب به خانه یوسف، داستان حرکت خود را به سوی نقطه اوج آغاز می‌کند. خانه‌ها که به وسیله اشتغالگران اعوا شده‌اند، برای خرید و آذوقه نزد یوسف آمده‌اند تا با فروش آن به انگلیس‌ها، اسلحه بخرند و با ارتش ایران بجنگند. اما یوسف قبول نمی‌کند.

در فصل بعد وقتی یوسف، به ده رفته، از خانه حاکم می‌آیند تا اسب خسرو را برای دختر حاکم بپزند. نخستین جلوه‌های حضور وضعیت ناپایدار اجتماعی در خانه زری، او با وجود مقاومت اولیه، به امر ابوالقاسم خان، سکوت می‌کند. عمه خانم، خواهر یوسف، و زری برای پس گرفتن اسب، از عزت الدوله ملک می‌طلبند.

وقتی در فصل دهم همراه زری از خانه به جامعه می‌رویم سهراب درگیر نفوس، ناامنی و فحش‌های پاپیم. گشتی در دیوانه‌خانه

---

وزندان می زنیم و با منجایی که زندگی مردم را سپاه کرده آستان می شویم  
 زری چشم مشپار و نگران روزگار ، تکلیتبارا می بیند و آشفته خاطر  
 می شود. او در آغاز می کوشید خانواده خود را از بلایا دور بدارد ،  
 اما واقعت تیره و تار به مرور به درون خانه او پنز رخنه می کند و  
 آن را در هم می ریزد .

در فصل بعد به خانه می گردیم . یوسف زری را به دلیل ضعف  
 در مقابل ایادی حاکم سرزنش می کند . ابوالقاسم خان وکیل مجلس می شود .  
 آقای فتوحی . معلم خسر و چهره جدیدی است که وارد رمان می شود تا  
 یکی دیگر از بندهای سپیم در وقایع اجتماعی آن دوره یعنی حزبی ها  
 را تجسم بخشد . گر این خسر و به تعلیمات فتوحی ، یکی دیگر از عواملی  
 است که امنیت خانواده زری را تهدید می کند . اما یوسف او را به مقابله  
 جورانه تر با واقعیتها می خواند . زری ، اسپر تر دپدی جانکاه  
 می خواهد خود را از تعلقات شخصی و حصار خانه برهاند . چنین است  
 که آبستنی او معنای کنای می باید : او آبستن تغییر و دگرگونی است  
 زمینه چینی مناسب این تحول بازنده کردن یاد مقاومتهای زری

در مقابل خواست مدرسن مدرسه انگلیسی ، در دوران تحصیل ، شکل  
می گیرد .

در فصلهای ۱۴ و ۱۵ جزئیات همان در خانه عزت الدوله  
با نظمی بسیار ریباز و زنانه توصیف می شود . وقتی زری در مقابل  
خواسته عزت الدوله ایستادگی می کند ، نخستین نشانه های  
تعییر را در او می بینیم . در همین خانه است که بار دیگر با ملک رستم و  
ملک سهراب مواجه می شویم . ماجرای پاری طلبیدن آنان از یوسف  
برای زری گره گشایی می شود ، آنان با اسلمه های انگلیسی ، بلوایی  
به راه انداخته اند و زمینه را برای اقدامهای بیگانه گان آماده کرده اند  
در فصل بعد یوسف با افسری زخمی به خانه باز می گردد و از شیوع  
نیغوس در روسناحای گوید . وحشت از به خطر افتادن یوسف ، زری  
را فرا گرفته است - زری در خوابهای آشفتنه است ، او را سیاهوشی  
دیگری بیند . داستان بعدی اساطیری تیر یابد . عاقبت روزی  
جد یوسف رای آورند : اشتغالگران این نقطه مقاومت را  
از پای در آورده اند . مرگ یوسف ، وجود زری را از تردیدها

می‌بیراید و دید او را نسبت به زندگی عوضی می‌کند - سفر درونی زری،  
ضمن برخورد های او با جامعه ، با آگاهی می انجامد - او کم می‌کوشید در  
حاشیه رنج های مردم بماند ، تمیان ماجرا ها کسانده می‌شود -

نویسنده صد سال داستان نویسی در باره احوال نضول آخرین

این رمان اینطور می‌نویسد -

آن گاه در حالتی پیدار - خواب گذشته و حال از پیش چشم زری  
می‌گذرند . روزیا ، کابوس ، در خاطره در هم می‌پنجد و شعری زیبا پدید  
می‌آورند - پاد اولین آشنای با یوسف در فضای امن سانه ای ،  
خاطره انگیز و انباشته از شور زندگی است . یوی عشق و طبیعت  
ریای فارس ، رمان سپین دانش و راعط آگین می‌کند - زری  
به پاد می‌آورد زن ایللیاتی را که بی‌ایست از مراسم سووشون (سوک)  
سپاوش (گفته بود . گوی یوسف ، سپاوشی است تنها در محاوره  
ابنوه دشمنان - آخرین فصل رمان ، توصیفی قوی از تشییع جنازه  
یوسف و یکی از مدرن ترین وصف های مردم در ادبیات معاصر ایران است .

تشیع جنازه به نظامات هند استعماری مردم و درگیری آنان با  
 نیروهای امنیتی بدل می شود. جنازه یوسف را شبانه به خاک می  
 سپارند و ملک ماحون در تسلیتی امید بخش به زری می نویسد  
 "گریه نکن خواهرم، در خانه ات درختی خواهد روید و درختهای  
 در شهرت بسیار درختان در سرزمینت. و یاد پیغام هر درختی  
 را به درخت دیگر خواهد رسانید و درختها از یاد خواهند پرسید  
 در راه گم می آیدی سحر را ندیدی." <sup>ش</sup>

حسن عابدینی نویسنده صد سال داستان نویسی دربارهٔ سووشون

می افزاید

سووشون را رمانی رمزی سپاسی دانسته اند که از دو لایه  
 تشکیل شده "دولایه ظاهری، حوادث رفته پیرزری و خانواده اوست  
 در حدوده نیمه اول سال ۱۳۲۲..... زری می خواهد در درون کشور ایران  
 کشور خاص خود را از آشوب و مرمز و قحطی و مرگ حفظ کند اما سرانجام  
 جنگ و دیگر بلاهای آن سالها به خانه او راه می یابند. از همین

شرح کوتاهی توان لایه درونی یا رمزی سووشون را دید مثلاً ما  
به ازای خانه هم ایران است و ما به ازای زری زن به طور کلی...  
ویوسف نماینده یک قشر روشنفکر این مملکت است. و خلاصه  
آنکه آنچه بر این خانه و خانواده می رود بر همه کشور ماریفته است.  
سووشون نه فقط در ایران بلکه در خارج از کشور نیز مورد توجه  
خوانندگان شد و همین سبب بود که در زبانهای دیگر نیز ترجمه شد.  
آقای م. ر. قانون پرور سووشون را به زبان انگلیسی ترجمه کرد و  
این ترجمه نیز در آمریکا و در کشورهای دیگر خیلی مقبول شد. نه فقط  
این بلکه باعث توجه چاپخانه های معروفترین جهان شد و چند از  
معروفترین چاپخانه های جهان بر این رمان و بر ترجمه اش تجدید نظر  
نیز شائع کردند. چند از آن در زیر ذکری شوند تا اهمیت و  
ارزش این رمان و ترجمه آن واضح می شود.

روزنامه 'تائس' یکی از معروفترین روزنامه های جهان است

این روزنامه در تمام آن کشورهای جهان خوانده می شود که زبان انگلیسی  
رواجی دارد. در همین روزنامه روز یکم مارچ سال ۱۹۹۱ء یک تجدید نظر

این رمان شائع شد که چند سطر آن در زیر نقل می شود.

"Published in Persian in 1969 *Suvashun* was the first novel written by a woman to appear in Iran. Its protagonist, Zari, desires chiefly to care for her husband, raise her children, supervise the kitchen and tend the garden. 'If she were not so attached to her children and husband, things might be different. The first pick of the fruit, caresses, conversations, affectionalē gazes,.... such a person could not take risks.'" Simin Daneshvar creates a paradise out of the evocations of the smells and sights of flowers, herbs, lotions and nuts. ....

*Suvashun* is not the sociopolitical treatise that some of above may suggest. It is a meandering novel about



fallible human beings, who are confused about what is happening and confused too about their role in a country which in 1940 (and in the 1960s) had lost its sense of direction. At first incidents follows incident as an unedited diary. Threads of plot are picked up and dropped, but slowly those threads are drawn together in a phantasmagoric modern dress version of the betrayal and martyrdom of Siyavush." <sup>۱</sup>

سیمین، طوریکه گفته شد، زن یکی از معروف نویسندگان ایران بود. و شوهرش جلال آل احمد مقام و افکار خاصی داشت، لازم بود که سیمین نیز تاثرات از وی بگیرد. یکی از نامورترین چاپخانه‌های آمریکایی بنام 'سن فرانسیسکو ریپوبلیکین' در باره ترجمه سووشون در انگلیسی و تاثرات جلال بر سیمین و بر نویسندگی او اینطور اظهار می نماید :

---

1. Times Literary Supplement March 1, 1991

2. San Francisco Review of Books

"Given the official enmity between the US and Iran over the past decades, it is encouraging to see Iranian Literature being translated into English and made available to American audiences. Iran has a rich literary tradition reaching back over a thousand years, one that continues to resonate within its modern literature.....

..... To some extent the novel is influenced by Doneshvar's own relationship with her writer husband, Jalal Ale Ahmad, a notable critic of Western domination in Iran and the Pahlavi dynasty's subservience to it. This novel provides insight into the emerging nationalism that would later result in the Iranian Revolution, and serves to enlighten

readers about the roots of Iranian resentment  
towards the West.....<sup>له</sup>

هیندکور دفترخانه تجدید نظر کتابخانه های عمومی هلندی

(Review Office of the Netherlands Public Libraries)

سووشون را به طور سمبول امید علیه امید اصل پیش می کند. وی سیمین را  
دادتسین می دهد برای اینکه وی وضع اجتماعی ایران را و خرابیها و بدعنوانیها  
که در ایران رائج بود به طور خوبی پیش کرده است. همان وقت انعکاس  
کوششها و جدوجهد 'زری' و 'یوسف' را نیز مورد ستایش قرار داده است.  
این دفترخانه در تجدید نظر 'سووشون' می نویسد:

"Suvashun is a Persian symbol for hope, against  
hope really. Around the figure of an initially happy  
young wife and mother, a picture is given of  
how people lived in the fairy tale town of Shiraz  
during the British Indian occupation of Iran in the

Second War. In a society corrupt at all levels, depicted with great penetration, decent and well-intentioned people like Zari and Yusuf are predestined for victimization. Striking descriptions of family relationship among Persians with leanings to the West during the forties, that since its publication in 1969 found more than half a million readers. ....

..... The tragic events are predictable to some extent but after all this is not meant to be a story of suspense.....<sup>۱</sup>”

---

(Review Office of the Netherlands (1991) Public Libraries) <sup>۱</sup>نه دفترخانه تجدید نظر کتابخانه های عمومی سلطنتی ۱۹۹۱

## فصل چهارم

انعکاس مسایل اجتماعی در آثار نثری سیمین دانشور

سیمین دانشور مثل بیشتر نویسندگان معاصر از طبقه متوسط  
 تعلق داشته بود که در سال ۱۹۲۱ م در شیراز چشم به جهان  
 گشود. تحصیلات مقدماتی خود را از مدرسه سچی فرای گرفت و بر زبان  
 انگلیسی تسلط کامل داشت. وقتیکه در سال ۱۹۳۵ دانشجوی  
 درجه هشتم بود کار نویسندگی را آغاز کرد. در مقاله که به تلاش  
 قلم سیمین دانشور بوجود آمد *Winter is not Unlike Our life*  
 بود که در روزنامه محلی شیراز چاپ رسید. بعداً وی در  
 دانشگاه تهران ثبت نام کرد و بر زبان فارسی نیز دسترس حاصل کرد.  
 وقتیکه پدرش که مشغول پزشکی داشت فوت شد، دانشور از مایل  
 مالی دچار شد و تمام مسئولیت خانواده بر دوش وی آمد زیرا که  
 ذریعه آمدنی خانواده اش فقط نوابی پدرش بود که بعد از مرگ  
 وجود نداشت. مجبوراً سیمین جهت کسب مالی گام زد و در مورد این  
 در رادیو تهران استخدام گرفت. و آنجا برنامه ای سبب پال رادیو  
 بنام "شیرازی تا معلوم" را نوشت اما حق الزحمه شایسته نمی یافت

به علت احتیاج پول مقاله های دیگر درباره هنر آشپزی بنز می نوشت  
و توسط آن احتیاجات خود و خانواده را به تکمیل می رسانیدند -  
بموجب دسترس بر زبان انگلیسی او را بعنوان رئیس معاون  
اخبار خارجی در رادیو تهران به عهده رسانیدند - ولی بزودی از این  
شغل رنجیده خاطر گشته استخدام وادیو تهران را ترک کرد و  
لهز روزنامه 'ایران' پیوست ۲ برای آن روزنامه مقاله ها نوشت  
و کارهای تراجم را هم انجام می داد -

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دهه های چهل و پنجاه  
نسبت به دوره های قبلی یک کمی پرامن بود . این محیط جمهور و آزادی  
به مدت کوتاه در ایران سیمین دانشور را فرصت نادر فراهم کرد که  
شغل روزنامه نگاری را اختیار کند . دوران اقامت در  
سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ ، سیمین تصمیم گرفته بود که دست به رمان نویسی  
و داستان کوتاه نویسی اندازد . و با وجود اینکه آشنایی درستی درباره  
تکنیک داستان کوتاه نویسی و رمان نویسی نداشت در سال ۱۹۴۱ ،  
مجموعه داستانها بنام "آتش خاموش" را نوشت که همان وقت وی فقط

بیست و هفت ساله بود. از این وقت دانشور برای نویسنده‌گی آن موهبتی را انتخاب می‌کند که در آن او هنر و مایل اجتماعی و سیاسی کشور ایران منعکس می‌سازد. ملایم مافی که داستانهای سپین را به انگلیسی ترجمه کرده است در بارهٔ مجموعه "آتش خاموش" اظهار داشت که گرچه هفت تاد در شانزده داستان مجموعه "آتش خاموش" تحت تأثیر او اینتری نوشته شده است و سپین این کتاب را در حالت نخستین مسوده به چاپ رسانید و در این کتاب نکات خاصی سبک دانشور هویدا است. دانشور از او اینتری از جهت یک دانشجو معرفی کرده بود و وی را خیلی دوست داشت و موضوع و محتوی وی یعنی مایل اساسی زندگی مثل مرگ، عشق و قربانی را در نوشته‌های خود مطرح می‌نماید.

بنابه گفتهٔ مارپم مافی

"Although seven out sixteen stories are

O. Henry inspired, and Daneshvar had the

book published in the first draft form

O. Henry's



the major elements of her style are evident. Daneshvar had become familiar with O. Henry as a student, and like him she deals with the basic issues of life, death, love and self-sacrifice.

مانند نویسندگان دیگر که در دهه های ۱۹۴۰ مشغول کار  
نویسندگی بودند، سیمین آن مایلی را مورد بحث قرار می دهد  
که در اجتماع ایران موجود بودند. وی سعی می کند که در نوشته های  
خود یکبارگی دو جنبه متضاد را اینطور بیان می کند که خوبی یکی از  
آن و خرابی دیگر کاملاً آشکار می گردد. به طور امتثال مسایل مربوط به  
راست و دروغ، ناداری و فراوانی پول، زندگی پیرآرائش شرمند و  
عخم نادارها را علیه یکدیگر پیش می کند و یکی از آن را مورد اعتراض و  
انتقاد قرار می دهد و همین حال دیگر را توصیف کند. اشخاص  
سیمین در 'آتش خانوش' مردم بلومی هستند مانند پروفیسور،

مادر یا دختر که هیچ شخصیت ندارند. تشویش و تجسس دانشور  
 درباره وضع زن و مقام آنها در جامعه از آنوقت آشکار می شود  
 که وی در نوشتن "آتش خاموش" مشغول بود. ولی تا اینوقت  
 عدم استقلال زن در صحنه اجتماعی و معاشی موضوع بحث دانشور  
 نمی شود بلکه وی فقط از وضع عمومی زن در جامعه وابستگی دارد.  
 آتش خاموش با وجود دارای نقص مورد پسند عموم قرار گرفت  
 و عملاً درباره مقبولیت آتش خاموش این اظهاراتی را داشت که شاید  
 علت مقبولیتش این بود که این اولین مجموعه داستانهای کوتاه بود  
 که از قلم یک زن به رشته تحریر در آورده شده بود. بعداً  
 دانشور از چاپ دیگر این مجموعه انکار کرد به این دلیل که آئنده  
 نیز هیچوقت هیچ کتابی را در حالت مسوده نخستین برای چاپ نخواهد  
 داد. در الفاظ ما ریم مافی

"The Quenched Fire (آتش خاموش), however was

well recieved, despite its shortcomings -

perhaps because it was the first collection

of short stories published by an Iranian woman, Later Daneshvar refused to have the book reprinted stating that she would never again turn in a first draft to a publisher<sup>۱</sup>."

دانشور مجموعه دوم داستان کوتاه خود را در سال ۱۹۴۱ بنام 'شهری چون بهشت' چاپ رسانید. طنز نویسنده دانشور در مجموعه 'شهری چون بهشت' یکدکال رسید و مانند مجموعه آتش خاموش رسمی نبود بلکه قریب تر از زبان مردم عامه شد. ساخت جمله در این مجموعه کوتاه، واضح و جامع بنظری آید. بقول ماریم مافی، مترجم داستانهای دانشور به زبان فارسی، همین دانشور طرز نویسنده خود را قریب از زبان سینماگرایی آورد. در باره زبان 'شهری چون بهشت' ماریم مافی اینطوری نویسد -

It was from this time that she tried to bring her writing closer to Cinematographic realism<sup>۲</sup>."

1. Maryam Mafi, Translator's Afterwords to Daneshvar's Playhouse, 1989.

2. Ibid.

دانشور در مجموع شهری چون بهشت، وضع زن ایرانی را نیز مورد بحث  
قرار داده است. وی وضع وضع زنان ایرانی را اینطور بیان می‌کند  
که معلوم میشود وی برای این کار مصمم است که وضع اصلی زن در جامعه ایران  
بیان می‌کند. در این مجموعه موضوعاتی که مبنی بر خصوصیات عمومی زنان ایران  
هستند وجود ندارد ولی وی بطور یک معاشنه کار غیرجانبه از بیان  
تکلمه پرنیجه در باب آنها احراف میکند و زن را همان طور پیش می‌کند  
طوریکه خود مشاهده کرده بود. قهرمانان داستانهای این مجموع خود بیان‌کننده  
توصیفات و نقضهای خودشان هستند. دانشور در این سعی نیز موفق  
شده است که برای قهرمانان داستانهای خود تصویر اصلی و تصویری را  
طبق صورت پیش می‌کند.

در داستان 'بی‌شهر بانو' دانشور تصویر اصلی قهرمانان  
داستان را اینطور بیان می‌کند که این عرض نیز غیر واضح مانند که  
خواهشات و مقصود اصلی آن قهرمانان چه بوده اند. یعنی بگذارد دانشور یکبارگی  
دو پهلوی قهرمانان داستانهای خود را بیان می‌کند که یکی از آن نشاندهنده  
رخ اصلی آنها باشد و پهلوی دیگر بیان‌کننده آن رخ باشد که

قهرمانان در دل خودشان پوشیده دارند. و هر دو پهلو را یکبارگی اینطور  
 بیان می‌کند که توهین یک و خرابی دیگر یکبارگی واضح می‌شود.  
 شکست در عشق، صغری‌ترین نمود خود را در داستان 'صورتخانه'  
 می‌یابد. داستان که به زندگی بازیگران نمایشهای روح‌صحنی می‌پردازد  
 با پوشیدگی و طرافت حسین بر انگیز عشق 'سیاه' را به بازیگر نقش  
 'دختر خلیفه' بیان می‌کند. عشق بی‌سرا انجام با ناپس در می‌آمینزد  
 و برگستره‌ای از رنجهای اجتماعی به پیش می‌رود. ما ریم مافی در باره  
 این داستان اینطور می‌نویسد:

"In the 'playhouse' her handling of Siah's character  
 and his secret love for the girl is subtle  
 yet far reaching. In her portrayal of the  
 girl as the victim of society and of her  
 own ignorance, Daneshvar surpasses all of her  
 prior stories."<sup>۱</sup>

1. Maryam Mafi, Translator's Afterwords to Daneshvar's Playhouse 1989.

یعنی اینکه انکلاس دستخوش دخترا از طرف جامعه و بیان نعماناتی که وی بنا بر بی توجهی خودش دچار می شود ، اینقدر موثر است که مثال آن در دیگر داستانهای سمین دیده نمی شود .

زمانی که "شهری چون بهشت" به چاپ رسید دانشور هنوز در اثر شوهرش بود به این علت که شوهرش خود یکی از معروفترین نویسندگان آنوقت بود . این چاپ 'سووشون' او بود که توسط آن سمین دانشور در ادبیات معاصر فارسی بطور یک نویسنده معروف شناخته شد .  
نه فقط این بلکه وی بعد از انتشار 'سووشون' شوهر خودش را نیز به عقب انداخت .

'سووشون' اولین رمانی بود که از قلم زن ایرانی و از حس زنانه نوشته شده بود . سووشون هیچ نشانی نقص از لحاظ تکنیک ساخت جمله یا طرز نویسندگی ندارد . داستان به رمان که توسط 'زری' قهرمان رمان بیان می شود درباره یک خانواده زمیندار شیراز است که در سیاست پراکنده دهه های ۱۹۴۰ گرفتار شده است . و بیان دخول کشورهای خارجی در سیاست ایران و موقع شناسهای ملی

سبب دستخوش شده است. 'یوسف' شوهر زری این مطالبه  
خارجیان را قبول نکند که برای آنها آذوقه‌ها بفروشد. او این  
امر را بعهد که این قدم میتوان با است گرسنگی مردم روستاها  
واقع می‌شود. همین این تشویش را به طور محال اینطور بیان  
می‌نماید.

"یوسف با تعجب پرسید " از دست من گریه کنی ؟ من نمی‌توانم  
مثل همه مردم باشم . نمی‌توانم رعیتم را گرسنه ببینم . نباید  
سر زینی خالی خالی از مرد باشد " <sup>۱۹</sup>

اینطور است که یک مرد فرض شناس دلبستگی خود را که برای رعیتش  
دارد پیش زنش بیان می‌کند . یوسف با وجودیکه در آخر رمان فوت  
شود ولی مسئولیت خود را هیچوقت فراموش نکند و مرگ را بر عدم فتنه‌شناسی  
ترجیح بدهد . اخیر فضل رمان بیان کننده تشبیه جنازه یوسف است که  
اینقدر بر آشوب شده است که مانند قافله نظام‌کنندگان بنظری آید  
ولی ارتش دولتی این نظام‌کنندگان را منتشر می‌کند و جنازه اش

فقط توسط برادرش دزری برده میشود. آخرین فصل رمان توصیفی قوی از تشبیح جنازه یوسف و یکی از موثرترین حرکت مردم در ادبیات معاصر ایران است. اقتباسی از این فصل 'سووشون' در زیر داده میشود تا این امر واضح شود.

"آمده بودند برای تشییع جنازه. اول قوم و خویشها و آشناهای نزدیک آمدند. زنها را در حوضخانه و مردها را در تالار جا دادند. عزت الدوله در صدر مجلس نشسته بود. فردوس پیرامن سیاه چبانی به تن داشت و قیافه غمزده‌ای به خود گرفته بود و خدمت می‌کرد. مگر نمی‌دانست خیالی‌کرد، عزت الدوله صاحب عزا است، بیسکه فرمان می‌داد. چشمش به هرتازه واردی که می‌افتاد زبان می‌گرفت. از جوانی و ناکامی یوسف، از زیبایی و چیزهایش، از اینکه مثل بلیل انگلیسی حرف می‌زد، از اینکه زن و پیه‌های معروش را گذاشته و رفته، می‌گفت و می‌گفت و به صدای بلند گریه می‌کرد. گاهی به سینه هم می‌زد اما یوازش..... زری حران غلی را که دکتر عبداللہ خان به او داده بود، بومی کشید



تا به حرفهای او اشک نریخته باشد. همه پدایش نبود و وقتی  
 عزت الدوله مادر، مادر او دم رود! کرد و از سر وی حرف  
 زد که ریش اش قطع شده و روی زمین واژگون شده ..... "سه  
 دیگر داستانهای همین نیز نشان دهنده مایل اجتماعی هستند  
 داستانهای پیش کننده حقیقتاً هستند نه که نشان دهنده تعورات  
 خیالی. ایشان دارای موضوعات فکر اندوز مانند دزدی بچه ها، زتای  
 محسن، ازدواج، زچگی، بیماری، مرگ، بیوفایی، سودگرافی، بی هوادی  
 بی توجهی، ناداری و تنهایی هستند. مایلی که داستشور زیرینت می آورد  
 مایل اجتماعی ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ در ایران هستند که بر خوانندگان  
 رود اثر و معتبر واقع می شوند. او از مردم که نزد وی زندگی می کنند  
 استنثاق بگیرد و همان تجربه ها را در نوشته های خود بکار می برد.  
 بنا به گفته او

"Simple people have much to offer. They must  
 be able to give freely and with peace of mind."

We too, in return, must give to them to the best of our abilities. We must with all our heart, try to help them acquire what they truly deserve." <sup>۱</sup>

این الفاظ اندیشه سیمین برای مردم عامه را نشان می‌دهد و

اینطور خیالات در نوشته‌های او نیز جایجا دیده می‌شوند.

دانشور حالات زندگی مردم طبقه پایین، طبقه وسطی و طبقه بورژوازی را با وضاحت متساوی منعکس می‌کند. قهرمانان سیمین دانشور ناندخته چگونگی مختلف گروه‌های اجتماعی می‌باشند که توسط چند امثال تنوع نامانان <sup>۲</sup> که سیمین دانشور بطاری برد و اینج می‌شود.

نادیده در تصاویر 'تصادف' رنی یورژوازی است که توسط رضامندی

از دواج خود را قربانی می‌کند (و نه فقط این بلکه خوشی بیه‌خوشی خود را نیز قربان می‌کند) تا ایثار وی در جامعه بالاتر شود. همینطور زری در

رمان سورژون زنی است از طبقه متوسط و باسواد و خانواده فیودال

1. Maryam Mafi, Translators Afterwords to Daneshwar's Playhouse. 1989. <sup>۱</sup>

وی اصول شوهرش را که منبئی بر قربانی است قبول میکند و آن اصولهای عدل و انسانیت را پیش می برد. برخلاف این قهرمان داستان دیگر بنام 'اینس' از طبقه پائین متوسطه وابسته است که خواهشمند دسترس مقام بلندی در جامعه است. وی دوشینزه ای است که از روستا به تهران می آید و از طرز زندگی بورژوازی مناشری شود. با خواهش هم چشبی از آن طرز زندگی، وی شرافت نفس انفرادیت و آزادی معاشی را از دست بدهد. مرمز در داستان 'وکیل بازار' دوشینزه ای بی پروا است که به این علت که خود را در عشق یک دکاندار گرفتاری کند و نمی خواهد فاصله از آن بیرون بیاورد دختر آقای خود را از دست بدهد. دانشور توسط تجدید بیانی زبان مرمز کار پراثر را انجام داده است. تاثراتی و مهارت های که مرمز دوران گفتگو بطاری برد بیان زنان آن طبقه خیلی عام و مقبول است.

مسائل دیگری که دانشور در نوشته های خود بخاطر نشان داده است مسائل مانند وضع زن پیر و پوهه میباشند. زنان اینطور تمام عمر خودشان را در تلاش معاش صرف می کنند ولی در اواخر عمر هیچ چیز در دسترس آنها

باقی مانند - به گونه مثال دانشور در داستان 'بیماری سلام کنیم؟' کوکب خانم زنی محنت کش که دخترش را با دقت بسیاری پرورش می‌کند از روی همدردی منعکس می‌سازد. کوکب خانم از تمام منابع خود سعی می‌کند که برای پیم خود تاحدی که ممکن باشد یک زندگی پر آرام فراهم کند ولی در آخر مجبور می‌شود که دخترش را در ازدواج بفروشد در حالیکه ذریع آید او از وی برده شود.

دانشور در باره خرابی وضع زنان که از طبقات پائین می‌آیند نیز نوشته است و انحصار معاشی آنها بر مردم را سبب ناداری و بیماری آنها قرار می‌دهد. او ساخت اجتماعی را برای وضع رقت انگیز زنان مقصر می‌داند. 'محترم' دختر یک پینه دوز تپیدست در داستان 'مردی که باز نه گشت' یا ایراهیم از دواج کتد که شغل دست فروشی داشت. از دیدن کالاهای افغانی که در خانه شوهرش وجود داشت وی این امر را که از خانواده تپیدست تعلق داشت فراموش کرد. وی از بیماری خودش آنوقت آگاهی نگیرد که وقتیکه روزی شوهرش به خانه برگردد. خالی از پول و ناواقف از هیچ هنر و دارای پیم‌های کوچک وی از انحصار خود بر شوهرش آشنای شود.

وی این نکته را می‌فهمد که خود کاملاً بر شوهرش منحصر بود و در غیر موجودگی وی هیچوقت نمی‌توانست زندگی را به آرام بگذارد.

رسم و رواج کهنه و عقیده افسانوی و اساطیری ایرانی حاوی موضوع

نویندگان سالیهای شصت و هفتاد (۱۹۷۰ - ۱۹۴۰) بوده است.

در بیشتر آثار دانشور همین رسم و رواج و افسانه پرستی را مورد ملامت

و انتقاد قرار می‌گیرد. وی خوانندگان را از خوبی و خنای این عقاید

یادآوری میکند. داستان وی راجع به موبوم پرستی و عقاید قدیمی

که بوجه معتقد شدید مذهبی سالیها در طبقه پائین پیوسته و

پراکنده بود مورد بحث قرار میدهد. جهت دور افتادن از مصیبت و

بلای جن و پری و رفع کردن بدبختی‌ها عموماً از تدابیر و عملیات سحر آمیز

استفاده میکردند که این سحر انگیزی بارها در داستانهای وی

به چشم می‌خورد. کوکب سلطان در داستان 'به کی سلام کنم'

میخواست که عملیات جادو یاد بگیرد تا بر علیه شوهر دختر خود بکار

برد و دخترش را پس بگیرد. خانواده ملا در "وکیل بازار" میخواست

پسر خودشان را از بلای جن و پری و جهت دفع این روح پید

به جسم وی برای غسل و عملیات موهوم پرستیها عرضه داشت .  
 دانشور مخالف رسم و رواج مذهبی و دینی مثلاً زیارت جاهای دینی ،  
 نذر و نیاز و ادای نماز روزانه و غیره نبود بلکه موهوم پرستی مذهبی و  
 عقاید جاصلانه را مخالفت میکند که بتوسط این زندگی مردم تباه  
 و برباد میشود .

بعد از بحث عمومی راجع به سروکارها که در نوشته های مختلف سپین  
 صعود یاد اند ، توجهم را به سوی منعلقاتی جلب می کنم که به رمانی مربوط اند  
 که بعنوان رمان انقلابی شناخته شد و در صحنه رمان نویسی به  
 اوج کمال رسید این رمان سووشون است که در فصل گذشته  
 مورد تجزیه قرار گرفت . چنانکه قبلاً اشاره شد سپین دانشور توسط  
 رمان متزبور در نثر نویسی فارسی جدید یکی از نویسندگان صفت اول ایران شد .  
 م. ر. قانون پرور این رمان را به زبان انگلیسی ترجمه کرد و بر این اسپونر  
 مقدمه آن را نوشت . وی در آن مقدمه اندرینم های سپین را که وی در  
 سووشون آورده است به زیبایی بسیاری منعکس نموده است که اینجا نقل میشود .

"Suvashun enriches a generations understanding of itself. It encapsulates the experience of Iranians who have lived through the mid century decades which led upto the 1979 revolution. They feel immediate identity with the major characters, each of whom struggles in their own day today lives with the social and historical forces that gave pre revolutionary Iran its characteristic hopelessness and emerging desperation so inadequately understood by outsiders."

اکثر اقدام در این رمان بوسیله طبقات متوسطه خانواده‌های زمیندار در شیراز واقع در جنوب ایران بعمل می‌آید زری - بهترین رمان که زن و مادر هم است اولین متعلقانش بچه‌ها، شوهر و امنیت زندگی و خانواده‌های شان بودند حوادث را از گمانه یا غیر آگامانه پیش‌بینی می‌دید.

1. Brian Spooner, Introduction to the translation of Suvashun by M.R. Ghanooni Parvaz

بیشتر آن چیزها که زری دارای تجربه نبود بوسیله یازدیدکنندگان و  
 شرکت کنندگان در احوال خانواده بیان می شود. در آن مرکز بهت خانواده  
 وزری درگیری کتاب عامل اصلی است. بکار بردن خانواده بعنوان  
 یک مرحله، نویسنده به داستانی بیش از پیش پیچیدگی پیوسته  
 بشمول اوتنوع و اشخاص کوناگون که بوسیله حیطه متعلقات جمعی  
 ایرانیان کاری کنند، اشاره کرده است. متعلقات اصلی داستان  
 بین سالهای ۱۹۴۱ و ۱۹۴۵ می باشد که ایران تحت تاثیر کشورهای  
 خارجی بود. سیمین اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران آن وقت به انداز خوبی  
 در این رمان بیان نموده است. قوه های اشتغالگران هرچیز را نسبت به  
 هدف های سیاسی و اقتصادی خود مورد استعمال قرار گرفتند که در  
 نتیجه آن اقتصاد ایران به پائین رفت. و بدترین نتیجه آن محط گسترده ای  
 بود که مخصوصاً در سال ۱۹۴۲-۴۳ واقع شده قبل از آن نیز در سال گذشته  
 این کشور دچار از کمی در فصل شده بود. وجود بیت فقر شدید اوقات را  
 صلح کرد و مقدار مرص و بیماری افزود و حصیه شکل دیرپایی شد.  
 نخوت و تکبر تقریباً حصیه هر مسئول امور ملی و محلی، ارتش و



پلیس شده بود. تحت توسیع نفوذ قوه‌های اشغالگر درین مسیحه در جنوب ایران توسعه می یافت در حالیکه در شمال کشور آیدو لوزی کمپونیتها پیشرفت میکرد و این هر دو برای جامعه موجب شکستگی بود. همین دانشور این همه مسائل را در نظر خود داشته در رمان خودش جا داده است. بطور مثال اقتباسی از رمان 'سروشون' در زیری نظارم که نشاندهنده ناپسندیدگی و دخالت خارجیان است.

"خسرو گفت: "ما تصمیم گرفته ایم با افسرهای انگلیسی یک کلمه حرف نزنیم حتی دیگر کارهای کارسرازه‌های هندی مان هم نذاریم."

زری گفت: "اما ملک ماعون که انگلیسی نیست، ابر لپندی است"

عومر گفت: "چه فرقی می کند؟"

زری گفت: او حتی افسر نیست جنرل نظر است.

عومر گفت: لایه جاسوس است و گرنه در زمان جنگ چرا آدم جوانی مثل او لباس افسری بپوشد. از زینگر که جوانتر است. بچنین دادم رنگه می فرستدش اینجا تا از خان عومر حرف بکشد. "

همینطور جای دیگر همین اندیشه ای را اینطور بیان نموده است که ناپسندیدگی  
 علیه خارقیان واضح میشود. در این مورد اقتباسی دیگر از سووشون اینها نقل  
 میشود

”خان ما کا آهسته گفت: ”داداش بیخود بچ می کنی ، هر چه باشد  
 اینها بهانان ما هستند. همیشه که اینجای منی مانند . اگر هم ندیم  
 خودشان بزوری ستانند . از قفل یا مهر و موم اینها های تو  
 که نمی ترسند . بعد هم مفت که مفتی خواصند . پول می دهند .  
 من هر چه در اینها را می یوده چکی فروخته ام .... پیش قسط  
 سبزه را هم که هنوز دانه نبسته گرفته ام . هر چه باشه صاحب  
 اختیار آنها هستند

یوسف گفت: ” بهان ناخوانده بود نشانه تازگی ندارد خان کاه  
 .... از همه بدتر احساس حقارتی است که دانگلیر همه شان شده ...  
 همه شان را در بک چشم بهم زدن کردند دلال و پادو و پلماج خودشان .  
 بگذارید لا اقل یک نفر جلو آنها بایستد تا توی دلشان بگویند: خوب  
 آخرش یک مرد هم دیدیم . ”

از بحثی که بر صفات گذشته داده شده اند این امر واضح میشود  
 که آثار نثری سیمین دانشور اوضاع اجتماعی و مسایل آن و اوضاع و مسایل  
 سیاسی آن کشور را می کنند. و سیمین در عقود خودش  
 موفق شده است که افکار و اندیشه های خودش را توسط رمانها و  
 داستانهای کوتاه پیش مردم بیاورد. مسایلی که دانشور توسط آثار  
 خودش بیان می نماید وابسته به هر کس آن کشور است و همین سبب است که  
 وی مقبولیت گراوند در زمینه ادبیات فارسی گرفته است.

نتیجہ گیری

## سیمین دانشور نامی است خبلی

معروف و مقبول در ادبیات جدید فارسی. دانشور که هنوز زنده است و کارنامه نویسنده‌گی خودش را ادامه می‌دهد سفر نویسنده‌گی خودش را در سال<sup>۱۹۳۵</sup> آغاز کرده بود و تا اینوقت راه طویلی در این زمینه طی کرده است. مانند نویسنده‌گان دیگری وی نویسنده‌گی را بطور نارس آغاز کرده بود ولی زود خود را بطور یک نویسنده ممتاز دایر گردید. شوهرش جلال آل احمد که خود نویسنده معروف ایران شمرده میشود. شوهرش میتوانست در آراستگی یسنده‌گی سیمین سهم داشته باشد ولی با انتشار رمان 'سووشون' سیمین نه فقط از تاثیرات شوهرش آزاد شد بلکه مقام منزای در زمینه ادبیات فارسی بدست آورد. سیمین دارای چند امتیازاتی بود که باید در اینجا ذکر شود که دوران نوشتن این مقاله به من روشن شد. یکی از آن امتیازاتی اینست که در ادبیاتی که تحت تسلط مردم بود دانشور بهمان آنها خود را در صف اول بنا نهاد و باعث مرکز توجه خوانندگان شد. گرچه سیمین زنی تنها نیست که در ادبیات فارسی معروف شد این امر قابل ذکر میباشد که زیاد از آن زنان بلکه تقریباً تمام آنها

که در سراسر ادبیات فارسی شناخته میشوند سخنوری را انتخاب کرده بودند  
 ولی امتیاز سپین این می باشد که وی برای خودش نثر نویسی را انتخاب کرد.  
 و در این زمینه معروفیت بسیاری پیدا کرد. امتیاز دیگری سپین این  
 نیز می باشد که وی نخستین زنی بود که زمانی را از قلم خود بوجد آورد.  
 نوشته های سپین دارای موضوعات سنجیده هستند و در خود  
 پیغامهای مہمی دارند. آنها مسایل اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران را نیز  
 منعکس میکنند. در نخستین مجموعه اش سروکار وی از مقام زن در جامعه  
 دیده میشود که وی تمام عمر این موضوع را در آثار خود بکار برده است  
 ولی در این زمان آغازین سروکارش از مقام عمومی زن در جامعه میباشد  
 یا انتشار مجموعه دوم داستانهایش بعنوان 'شهری چون بهشت' در  
 طرز نویسندگی دانشور بختگی دیده میشود. اینجا وی فقط از مقام عمومی زن  
 سروکاری ندارد بلکه وضع زن را طوریکه دوران زندگی خودش مشاهده کرده بود  
 منعکس میکند. مہربانهای آثار دانشور بیان کننده اختصاصات خودشان  
 میباشد و خوبی و خرابی که میان آنها موجود باشد خودشان بیان می نمایند.  
 قبیل از انتشار سوشون دانشور تحت نفوذ شوهرش بنظر میآید و افکار جلال

در آثار سیمین نیز وجود دارند ولی با انتشار این رمان مقبول بعنوان  
 سووشون سیمین خود را از نفوذ و تاثیرات شوهرش آزاد میکند و  
 اختصاص منفردی آشکار نمیشود. بلکه اینطور باید گفت که با انتشار 'سووشون'  
 وی شوهر خویش را نیز در زمینه نشر نویسی به عقب گذاشت.

دوران دهه‌های هفتاد و انشور زیاد فعال نبود. علاوه از استخدام  
 در دانشگاه تهران وی یک سلسله داستانهای کوتاه را نوشت. چندان  
 آنها در مجله‌ها انتشار یافتند و بالاخر در سال ۱۹۸۰ یکجا کرده شدند. مجموعه  
 'به کی سلام کنم؟' در مقبولیت سیمین اتمام نمود و او را بطور نویسنده  
 هنرمند شناسایی کنید. در نوشته‌های بعدی سیمین معیاری را که  
 توسط 'سووشون' قائم کرده بود سیر قرار میدارد.

تنوع بهرمانان دانشور و انتخاب موضوعات نشاندهنده فهم کامل دانشور  
 از ردهای مختلف اجتماع ایران میباشد. وی روحیه، افکار و تنفس مردم  
 و طرز زندگی، آداب گفتگو و انداز بیان که در گروه‌های مختلف لرعه ایران  
 رایج هستند را بخوبی درک کرده در آثار خودش این امور را جایی دهد.

قهرمانان متنوع که دانشور در آثارش بکاری برد نمایند رفتارهای  
 رنگارنگ ابرانبنان میباشند. و همین خصیصه عمده نوشته های سین  
 است که اجماع از آنرا از عمده خود برآمده است و تصویر حقیقی از  
 اجتماع اجتماعی ایرانیا کشیده است. و اینطور آثارش آئینه اجتماع  
 ایران میباشد.



## فهرست منابع و مأخذ

۱. آریانپور بجی: از صبا تا نیما، کتابهای صیبی، تهران ۱۳۵۱
۲. \_\_\_\_\_: از نیما تا روزگار ما، ج سوم انتشارات زوار، تهران چاپ اول ۱۳۷۴
۳. آزرین دکتر عباس: رقابت روس و انگلیس در ایران، تهران ۱۳۵۹
۴. آژند یعقوب: ادبیات نوین ایران، چاپخانه سپهر، تهران ۱۳۴۳
۵. احمد ظهورالدین: مقالات درباره ادبیات انقلابی اسلامی، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور ۱۹۹۵
۶. اُبری منوچهر: نقد و تحلیل ادبیات انقلابی اسلامی، تهران ۱۳۷۱
۷. باقر علی: جامعه و حکومت در ایران، تهران ۱۳۷۱
۸. بدیه فریدون: ساخت زمان، تهران ۱۳۷۲
۹. بیرون ادوارد: انقلاب مشروط ایران ترجمه احمد بخیره، تهران ۱۳۲۸
۱۰. بیراصنی رضا: طلا درس، (در شعر و سادوی) ناشر: نویسنده، تهران ۱۹۴۸
۱۱. \_\_\_\_\_: قصه نویسی ج ۲، سازمان انتشارات اشرفی، تهران ۱۳۴۸
۱۲. بهار محمد تقی: سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی (در سه جلد)، تهران ۱۹۴۲
۱۳. پروینت سیرین: ادبیات داستانی، رمان و واقعیت اجتماعی، انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۴۸
۱۴. حاکی اسماعیل: ادبیات معاصر، دانشگاه پیام نو، چاپ اول ۱۳۷۲
۱۵. حامی، هاشم مجید: تاریخ انقلاب ایران، تهران ۱۳۴۳

- ۱۴۵۹ .۱۴ حقیقت عبدالرفیع : آزاد اندیشی و مردم گرایی آزاد اندیشان
- ۱۷ .۱۵ صنعلی محمد : شعر معاصر ایران از بهار تا شیراز ج ۱، ۲.
- ۱۳۷۵ . انتشارات ارغنون چاپ سوم
- ۱۹۴۸ .۱۸ خانلری پروین نائل : نثر فارسی در دوره آخر قشربین کنگره نویسندگان ایران
- ۱۹۲۳ .۱۹ رایش سی کیور : Persian Women and Their Ways ، لندن
- ۱۳۵۰ .۲۰ رضازاده ملک رحیم : تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا تهران
- ۱۹۵۹ .۲۱ ریکا جان : History of Iranian Literature (Leipzig)
- ۱۳۷۰ .۲۲ زواریان زهرا : تصویر زن در ادبیات انقلابی اسلامی ، حوزه هنری تهران
- ۱۳۶۲ .۲۳ سپانلو محمد علی : نویسندگان پیشرو ایران ، کتاب زمان تهران
- ۱۳۷۰ .۲۴ شکیبا پروین : شعر فارسی از آغاز تا امروز ، انتشارات صیرمند تهران
- ۱۳۷۲ .۲۵ سپین دانشور : جزیره سرگردانی ، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی تهران
- ۱۳۶۲ .۲۶ \_\_\_\_\_ : سووشون صمان چاپ بازدم
- ۲۷ . \_\_\_\_\_ : آتش خاموش
- ۲۸ . \_\_\_\_\_ : شهری چون بهشت
- ۲۹ . \_\_\_\_\_ : بیک کی سلام کنم ؟

۳۰. صددر، تقی زاده: شکوفای داستان کوتاه در دهه نخستین انقلاب تهران ۱۳۷۴
۳۱. عابدینی حسن: همدسال داستان نویسی در ایران، دو جلد، چاپ اول نشر روز تهران ۱۳۶۶
۳۲. \_\_\_\_\_: فصلک داستان نویسان ایران از آغاز تا امروز تهران کاوش ۱۳۷۴
۳۳. عبوری چارلز: تاریخ اقتصادی ایران ترجمه یعقوب آژند تهران ۱۳۴۱
۳۴. فتاحی، محمد رضا: گرایش کوتاه از مولات فکری و اجتماعی در جامعه فیودالی تهران ۱۳۵۴
۳۵. قائم مقام جهانگیر: ایران امروز تهران ۱۳۵۴
۳۶. کامشاد حسن: *Modern Persian Prose Literature*، چاپخانه دانشگاه کیمبرج ۱۹۶۶
۳۷. کیا توری ن: مبارزاتی طبقاتی تهران ۱۹۶۵
۳۸. گرین جان. فرهنگ قصه نویسان ایرانی
۳۹. لاجبجی، شهلا و کارا، بهر انگیز: شناخت هویت زن ایرانی در گسترده پیش تاریخ و تاریخ
- ۱۳۷۱ انتشارات روشنگران تهران
۴۰. مونی باقر: ایران در آستانه انقلاب و ادبیات مشروطه انتشار فارس ۱۳۵۷
۴۱. بیلابی فرزانه: *Women and Revolution in Iran*
۴۲. میرحال صادقی: ادبیات داستانی، قصه داستان کوتاه، رمان، انتشارات شفا تهران ۱۳۶۶
۴۳. نعمانی علامه شبلی: شعرا العجم، جلد اول (نزدایم میلادنی) (ترجمه سید مرتضی) تهران
۴۴. نقیسی سعید: شاعران و نثر فارسی معاصر تهران ۱۹۴۸
۴۵. بوسقی دکتر غلامحسین، چشمه روشن، دهباره با شاهوان، انتشارات علمی ج اول تهران ۱۳۶۶



***"SOCIAL CONCERNS AS DEPICTED IN THE PROSE  
WRITINGS OF SIMIN DANISHVAR"***

Dissertation submitted to the Jawaharlal Nehru University in partial  
fulfilment of the requirements for the award of the degree of

**MASTER OF PHILOSOPHY**

*by*

**MD. JAWAID AKHTAR**

*supervisor*

***Dr. AKHTAR MAHDI***

*Co supervisor*

**Prof. MAHMOOD ALAM**



CENTRE OF PERSIAN AND CENTRAL ASIAN STUDIES  
SCHOOL OF LANGUAGE, LITERATURE & CULTURE STUDIES

JAWAHARLAL NEHRU UNIVERSITY

NEW DELHI, 110067

**2003**